روزنامه‌یی برای حقوق شهروندی

# راه مدنیت

madanyatdaily.com

شماره ۷۰۶ • سال دهم • دوشنبه ٤ حوت ۱۳۹۹ • قیمت: ۲۰ افغانی • Mon • Fab • 22 • 2021 • No. 706 • Vol.10 • Price: 20 Afg

عنوان‌های مهم

## دلخوری شورای امنیت ملی از توافق دوحه؛ مشورت لازم انجام نشده است

رحمت‌الله اندر، سخنگوی شورای امنیت ملی کشور می‌گوید در توافق‌نامهٔ دوحه که سال گذشته میان امریکا و گروه طالبان امضا شد، مشوره‌های لازم با حکومت افغانستان صورت نگرفت...

۲

## تئوری شیشه شکسته در اقتصاد

مغالطه شیشه شکسته اولین بار توسط اقتصاددان فرانسوی قرن نوزدهم «فردریک باستیا» بیان شد. مغالطه شیشه شکسته درواقع استدلالی است که بر اساس آن جنگ می‌تواند برای اقتصاد یک کشور مفید باشد. پیام گسترده‌تر این است که رویدادی که به نظر می‌رسد برای افرادی...-

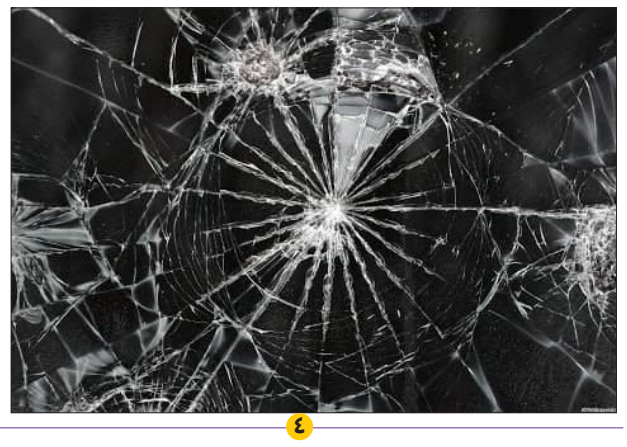

٤

# اصرار از عبدالله و انکار از طالبان؛ به مذاکرات برگردید

عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحهٔ ملی می‌گوید که خشونت‌ها هر روز از مردم قربانی می‌گیرد. او از هیات گروه طالبان برای پایان دادن به این وضعیت خواست که مذاکرات صلح را آغاز کنند. آقای عبدالله امروز، یک‌شنبه (۳حوت) در نشست افتتاحیهٔ کمیسیون برنامه‌های انکشافی و جلب کمک‌های شورای عالی مصالحهٔ ملی گفت: «آتش‌بس خواست اصلی مردم افغانستان می‌باشد، ما برای پایان خشونت و جنگ خواستار این هستیم که مذاکرات صلح دوحه به شکل جدی شروع شود و دوام پیدا کند.

۲

دیگر خواندنی‌ها در این شماره

## ماه پیشانی بلند
### نگاهی بر مجموعه شعر «نامه‌یی از لاله کوهی» سروده زهرا حسین‌زاده

٤

## چرا بنیادگرایی برای جوانان جذاب است؟

۳

## کمیسیون حقوق بشر: زبان‌های بومی در وضعیت دشوار قرار دارند

۲

## نیروهای ناتو در افغانستان می‌مانند، در عراق تقویت می‌شوند

۸

## یک‌ماه پس از ترک کاخ سفید بازگشت ترمپ به‌جهان سیاست

۸

## تکرار فجایع بازی‌های بزرگ!

۳

## تاب‌آوری؛ مهارت مورد نیاز زندگی امروز

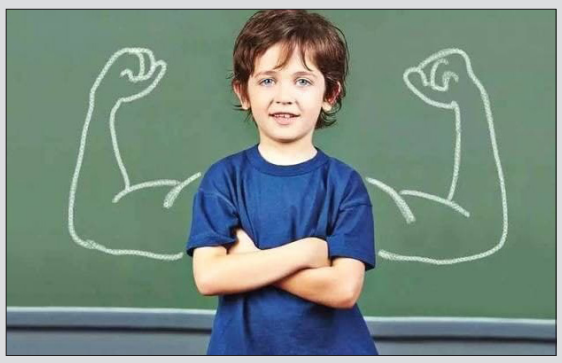

تاب‌آوری یک مفهوم جدید است و برخی زبان‌ها، واژه‌یی برای آن ندارند. با این حال بیشتر مردم جهان به استفاده از شجاعت، مهارت و ایمان رابر غلبه بر مشکلات باور دارند. واژگان تاب‌آوری چیزی بیش از مجموعهٔ از کلمات است که به ما این امکان را می‌دهد تا دربارهٔ این مفهوم نوظهور صحبت کنیم.

به موقعیت‌های زیر توجه کنید: پدر من هر روز الکول مصرف می‌کند و همیشه مست است. او می‌گوید که قصد دارد مادرم را بکشد. مادرم مرا به فامیل...

۵

## صالح: کمپاین ترور طالبان بعد از توافق‌نامهٔ دوحه آغاز شد

● امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری می‌گوید که کمپاین ترور طالبان بعد از توافق‌نامهٔ دوحه آغاز شده است که به‌صورت ترورهای فردی و استفاده از ماین‌های مقناطیسی صورت می‌گیرد. آقای صالح گفته که با بازداشت شدن هر هسته تروریستی، روش هسته بعدی تغییر می‌دهد.
او علاوه کرد که در کمپاین ترور دشمن در شهر کابل عمدتا از سه روش کار می‌گیرند، ترورهای فردی با استفاده از موترسایکل‌های دوسرنشین، گذاشتن ماین‌های دو تا سه کیلویی در لب سرک و یا ساحاتی که کندگی داشته باشد و سوم جابه‌جایی ماین‌های مقناطیسی کمتر از یک کیلو در موترهای شهری و یا لینی.



## دلخوری شورای امنیت ملی از توافق دوحه؛ مشورت لازم انجام نشده است

● راه مدنیت: رحمت‌الله اندر، سخنگوی شورای امنیت ملی کشور می‌گوید در توافق‌نامهٔ دوحه که سال گذشته میان امریکا و گروه طالبان امضا شد، مشوره‌های لازم با حکومت افغانستان صورت نگرفت.
آقای اندر روز یک‌شنبه (۳حوت) در یک پیام تصویری گفت که این توافق‌نامه نتوانست منجر به صلح، ختم جنگ، توقف خون‌ریزی و بهبود وضعیت زندگی مردم شود.
وی در ادامه تاکید کرد: «در این توافق‌نامه از برخی اصطلاحات استفاده شده، حتی اندازه‌گیری تلفات انسانی به اعداد مشخص شده، فروکش شدن جنگ، کاهش خشونت و برخی اصطلاحاتی دیگر که در آن معافیت و رضایت یک طرف از جنگ در نظر گرفته شده است.»
آقای اندر گفته که حفاظت از این کشور وظیفهٔ حکومت است و مسالهٔ جنگ و صلح را نیز از همین منظر می‌نگرد.
توافق‌نامهٔ صلح دوحه در (۱۰حوت) سال گذشتهٔ خورشیدی میان امریکا و طالبان به امضا رسید. در این توافق آمده که نیروهای خارجی بایستی تا ماه می سال جاری از افغانستان خارج شوند. در مقابل، گروه طالبان نیز تعهد کرده بودند که روابط با گروه‌های تروریستی به‌شمول القاعده را قطع می‌کنند، خشونت‌ها را کاهش داده و با دولت افغانستان وارد مذاکرات سازنده می‌شوند.
با این حال گروه طالبان از سوی امریکا، سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) و دولت افغانستان متهم‌اند که به تعهدات خود عمل نکرده‌اند.
دفتر شورای امنیت ملی کشور در حالی در مورد توافق‌نامهٔ دوحه واکنش نشان می‌دهد که رهبری جدید ایالات متحده گفته که این توافق‌نامه را بازنگری خواهد کرد.
جو بایدن، رییس‌جمهور ایالات متحده در تازه‌ترین سخنان خود گفته که حکومت تحت رهبری وی از روند دیپلوماتیک جاری و ختم دو دهه جنگ در افغانستان، به شدت حمایت می‌کند.
گروه طالبان ضمن ادعای پایبندی به وعده‌های خود از امریکا خواسته که به تعهداتش عمل کند و نیروهای خارجی را از افغانستان خارج کند.

***

## دستگیری هستهٔ مشترک حقانی و داعش در پایتخت

راه مدنیت: ریاست عمومی امنیت ملی کشور اعلام کرد که نیروهای ویژهٔ این ریاست در یک علمیات، هستهٔ پنج نفری شبکهٔ حقانی و داعش را بازداشت کردند. مراسم یادبود شهید عبدالعلی مزاری، میدان هوایی بگرام و میدان هوایی بین‌المللی حامد کرزی در گذشته، به‌عنوان اهداف مورد حمله این هسته یاد شده است.
این ریاست روز یک‌شنبه (۳حوت) با نشر خبرنامه‌یی گفت که جاوید، احمد مرید، روح‌الله، عبدالحفیظ و عبدالجبار اعضای این هستهٔ تروریستی بودند.
بربنیاد معلومات ریاست عمومی امنیت، افراد بازداشت‌شده، وظیفهٔ نگه‌داری، انتقال، جابه‌جایی، فعال‌سازی و پرتاب راکت بر نواحی مختلف شهر کابل را داشتند. در اعلامیه آمده که این هسته توسط نیروهای ویژهٔ ریاست عمومی امنیت ملی شناسایی و از مربوطات ناحیهٔ ۱۷شهر کابل بازداشت شدند. مراسم یادبود از عبدالعلی مزاری سال گذشته مورد هدف تیراندازی قرار گرفت که در نتیجه ده‌ها تن کشته و زخمی شدند. به‌دنبال آن مسعود اندرابی، وزیر امور داخلهٔ کشور در تاریخ (۲٦حوت) سال گذشته اعلام کرد که سه نفر در پیوند به این تیراندازی بازداشت شده‌اند.
ریاست عمومی امنیت ملی به شهروندان کشور اطمینان داد که هستهٔ شهری گروه‌های تروریستی را شناسایی کرده و به‌زودترین فرصت این گروه‌ها را بازداشت و یا مورد هدف قرار خواهد داد.
این ریاست در پایان تاکید کرد که هیچ مانعی نمی‌تواند سد راه عزم و ارادهٔ ریاست عمومی امنیت ملی در برخورد با گروه‌های تروریستی باشد.

# اصرار از عبدالله و انکار از طالبان؛ به مذاکرات برگردید

● راه مدنیت: عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحهٔ ملی می‌گوید که خشونت‌ها هر روز از مردم قربانی می‌گیرد. او از هیات گروه طالبان برای پایان دادن به این وضعیت خواست که مذاک=رات صلح را آغاز کنند.
آقای عبدالله امروز، یک‌شنبه (۳حوت) در نشست افتتاحیهٔ کمیسیون برنامه‌های انکشافی و جلب کمک‌های شورای عالی مصالحهٔ ملی گفت: «آتش‌بس خواست اصلی مردم افغانستان می‌باشد، ما برای پایان خشونت و جنگ خواستار این هستیم که مذاکرات صلح دوحه به شکل جدی شروع شود و دوام پیدا کند.»
وی در مورد حادثهٔ سوم حوت ۱۳۵۸ خورشیدی اشاره نموده و تاکید کرد که ٤۰سال پس از آن روز، هنوز هم مردم و و نیروهای امنیتی در دفاع از حق مردم و رسیدن به صلح قربانی می‌دهند.
او علاوه کرد مردم افغانستان صلحی را می‌خواهند که خود را در آن دخیل بدانند و فقط چنین صلحی می‌تواند پایدار باشد.
همچنین در ادامه رییس شورای عالی مصالحهٔ ملی بیان داشت که برای پایداری صلح، خدمات به مردم، کمک به وضعیت اقتصادی مردم و توسعهٔ پایدار کشور بحث اساسی است.
آقای عبدالله ابراز امیدواری کرد که روزی صلح در کشور تامین شود. او گفت، هیچ اولویتی بالاتر از یک صلح عادلانه و قابل قبول برای مردم نیست.
او همچنین خطاب به کمیسیون‌های داخلی شورای عالی مصالحه ملی گفت که هیچ کار موازی با کار حکومت در شورای عالی صلح صورت نمی‌گیرد، اما کمیسیون‌های شورای عالی مصالحه ملی، کارهای مربوط به صلح را هماهنگی می‌کند تا در جریان گفتگوها تسهیلات ایجاد گردد.
آقای عبدالله درحالی این گفته‌ها را مطرح می‌کند که مذاکرات صلح میان هیات‌های دولت و گروه طالبان در ۲۲سنبلهٔ سال جاری در دوحه قطر آغاز شد. این مذاکرات با یک وقفهٔ سه هفته‌یی مواجه شد، اما سپس در ۱٦جدی از سر گرفته شد. با این حال هفته‌هاست که هیچ نشست رسمی میان هیات‌های مذاکره‌کنندهٔ صلح برگزار نشده است.
دولت گروه طالبان را به فرار از میز مذاکره متهم می‌کند و می‌گوید که اگر آنان صلح می‌خواهند باید به میز مذاکره بازگردند.
روز گذشته آنتونی بلینکن، وزیر خارجهٔ امریکا در صحبت تلیفونی با عبدالله عبدالله، خواهان پایان خشونت‌ها و تسریع روند مذاکرات صلح شده بود.

# کمیسیون حقوق بشر: زبان‌های بومی در وضعیت دشوار قرار دارند

● راه مدنیت: هم‌زمان با روز جهانی زبان مادری، کمیسیون مستقل حقوق بشر کشور اعلام کرد که زبان‌های بومی کشور در وضعیت دشوار قرار دارند. این کمیسیون خواستار طرح و اجرای برنامه‌های نتیجه‌بخش برای حفظ تنوع و بهبود آن‌ها شد.
کمیسیون حقوق بشر روز یک‌شنبه (۳حوت) با نشر خبرنامه‌یی گفته که با توجه به وضعیت جنگی، فقر و پایین‌بودن سطح سواد در کشور، زبان‌های بومی افغانستان در وضعیت دشواری قرار دارند.
در این خبرنامه از دو زبان پامیری و اویغوری به‌عنوان نمونه یاد کرده و تاکید کرد که این زبان‌ها با خطر جدی روبه‌رو بوده و دسترسی به آموزش معیاری به زبان مادری برای بسیاری از گروه‌ها دشوار است.
کمیسیون حقوق بشر کشور می‌افزاید که دولت به‌ویژه وزارت معارف باید متن‌های درسی را با تامین این هدف، برای تمامی گویندگان زبان‌های کشور تهیه و دسترس‌پذیر کند.
در خبرنامهٔ کمیسیون حقوق بشر علاوه شده که قانون اساسی افغانستان نیز با اعلام زبان‌های پشتو و دری به‌عنوان زبان‌های رسمی دولت، زبان مناطقی را که اکثریت در آن‌ها به آن تکلم می‌کند، نیز زبان سوم رسمی دانسته و دولت را به رشد زبان‌ها متعهد کرده است.
از سویی هم، شورای عالی مصالحهٔ ملی با نشر اعلامیه‌یی به نقل از عبدالله عبدالله، رییس این شورا گفته که کشور ما از کشورهایی با تنوع زبانی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی است که این نقطهٔ قوت تاریخ و تمدن ماست.
آقای عبدالله بر حمایت، تقویت و تلاش برای پویایی زبان‌های مادری شهروندان کشور، در کنار زبان‌های رسمی تاکید کرد.
براساس معلومات وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور، در حال حاضر مردم به‌بیش از ۳۰زبان بومی سخن می‌گویند.

# اعلام آخرین آمار تعداد زندانیان: چهارهزار زندانی مربوط گروه طالبان است

● راه مدنیت: نظام‌الدین نورستانی، معاون نظامی ادارهٔ امور زندان‌ها می‌گوید که در حال حاضر ۲۹هزار و۲٤۸نفر در زندان‌های کشور زندانی هستند. از این میان نزدیک به‌چهارهزار آنان را زندانیان گروه طالبان تشکیل می‌دهند.
آقای نورستانی امروز یک‌شنبه (۳حوت) در برنامه حساب‌دهی دولت به ملت گفت که از این میان، سه‌هزار و ٦۹۳تن آن‌ها مربوط گروه طالبان، ٤۹۷تن مربوط گروه داعش و ۳۸۹تن دیگر آن خارجی می‌باشند.
او در ادامه با اشاره به‌برخی زندانی‌های معتاد به مواد مخدر گفت که در سال گذشته مالی خورشیدی بیش از ٤۰۰زندانی معتاد به مواد مخدر طی یک برنامه منظم به‌کمک بخش صحی اداره امور زندان‌ها تداوی شدند.
وی در بیان مهم‌ترین دست‌آوردهای این اداره تصریح کرد که در سال گذشتهٔ مالی، ۹۸۵سیت مبایل، ۱۷٤چارچر و ۱۰۱بطری مبایل، یک‌هزار و ۲۸۰قبضه چاقو خودساز، ۷هزار ۱۲۱گرام چرس، یک‌هزار و ۷۷٦گرام هیرویین، یک‌هزار و ۷۸۲گرام تریاک و ۳۲۵تابلیت کا از زندانی‌ها کشف شده است. معاون نظامی اداره امور زندان‌های کشور می‌افزاید که ۹٤تن به‌شمول ٤۱تن از کارمندان زندان‌ها، به‌دلیل انتقال مواد مخدر در داخل زندان‌ها، غفلت وظیفه‌یی، فساد اداری و سوءاستفاده گرفتار شده‌اند.
آقای نورستانی با بیان اینکه شش زندانی به اثر ویروس کرونا جان باخته‌اند، اذعان کرد: «در دوران شیوع ویروس کرونا حیات هزاران زندانی در خطر بود که توانستیم با مدیریت درست از یک فاجعهٔ انسانی جلوگیری کنیم.»
همچنین او در بخشی از صبحت‌هایش تاکید کرد که متاسفانه برخی زندانی‌های کشور معیاری نیست که در این باره ارزیابی‌ها جهت بهبود وضعیت زندان‌ها آغاز شده است.
وی می‌گوید که تلاش بر این است که در آینده نزدیک تمام زندان‌های کشور معیاری شده و زندانی‌های به‌جز از حق آزادی از دیگر حقوق‌شان برخوردار شوند.
معاون نظامی اداره امور زندان‌های کشور درباره فرمان رییس‌جمهورغنی مبنی بر عفو زندانی‌های نظامی گفت که تاهنوز ٤۰۰زندانی نظامی مطابق این فرمان آزاد شده و کارهای کمیسیون مربوط در مورد دیگر زندانی‌ها نیز جریان دارد.
بربنیاد معلومات اداره امور زندان‌ها در حال حاضر ۳۸زندان در سراسر کشور وجود دارد.

خبر

## ننگرهار در مقام نخست تولید عسل

● راه مدنیت: وزارت زراعت، آبیاری و مال‌داری کشور می‌گوید که در جریان سال جاری خورشیدی، ۵۰۰تن عسل در ولایت ننگرهار تولید شده است.
این وزارت روز، یک‌شنبه (۳حوت) با نشر اعلامیه‌یی گفت که ولایت ننگرهار به‌دلیل داشتن آب‌وهوای مناسب و گل‌های مختلف، در قسمت تولید عسل در میان ۳٤ولایت در جای نخست قرار دارد.
در ادامه اعلامیه آمده که در این ولایت نزدیک به ٦۰۰فارم کوچک و بزرگ پرورش زنبور عسل وجود دارد که در این میان، ۳۵ تا ٤۰هزار نوع زنبور پرورش داده می‌شود.
براساس معلومات وزارت زراعت، آبیاری و مال‌داری،

در فارم‌های زنبورداری ولایت ننگرهار بین ۲۲الی ۳۰نوع زنبور عسل وجود دارد. همچنان در ادامه بیان شده که برای نزدیک به دوهزار نفر به‌شمول زنان و مردان در فارم‌های زنبورداری زمینهٔ کار فراهم شده است.
در اعلامیه آمده، عسلی که در ولایت‌های ننگرهار، بدخشان، تخار، بلخ، هلمند، پنجشیر، پروان، کاپیسا، غزنی و هرات تولید می‌شود، به ترتیب، مشهورترین عسل‌ها در کشور است.
وزارت زراعت افزوده که یک کیلوگرام عسل در بازارهای محلی ننگرهار بین ۲۵۰تا ۵۰۰افغانی قیمت دارد و عسل این ولایت برای فروش در کابل و ولایات دیگر عرضه می‌شود.
همچنین این وزارت خبر داده که برای حمایت از زنبورداران و گسترش کار آنان، یک لابراتوار تشخیص کیفیت عسل نیز در ننگرهار ساخته شده و تاکید کرد، تولید و پروسس معیاری عسل و گسترش صنعت پرورش زنبور عسل از اهداف دیگر ایجاد این لابراتوار بیان شده است.
ننگرهار آب‌وهوا و محیط مناسب برای پروش زنبور و تولید عسل را داراست، همین امر باعث شده صنعت و آموزش زنبورداری در این ولایت رشد کند.

***

## اشتراک ۲۸شرکت افغان در نمایشگاه بین‌المللی گل‌فود

راه مدنیت: حبیب‌الله حبیبی، رییس انکشاف و ستکور خصوصی وزارت زراعت، آبیاری و مالداری کشور اعلام کرد که نمایشگاه بین‌المللی گل‌فود ۲۰۲۱ که در مرکز تجارت جهانی شهر دبی، امارت متحدهٔ عربی برگزار شد، در این نمایشگاه ۲۸شرکت تولیدی، پروسس و تجارت از افغانستان نیز اشتراک کرده‌اند.
آقای حبیبی امروز یک‌شنبه (۳حوت) گفت که بر علاوه کمپنی‌های ۸۵کشور جهان، ۲۸کمپنی کشور نیز اشتراک کرده که این نمایشگاه فرصت استثنایی و مهم برای تاجران افغان جهت معرفی محصولات زراعتی و مال‌داری‌شان برای جهان می‌باشد..
او علاوه کرد که تاجران افغان به کمک ادارهٔ انکشاف بین‌المللی ایالات متحدهٔ امریکا (USAID) و هماهنگی وزارت زراعت در این نمایشگاه اشتراک و محصولات‌شان را به نمایش گذاشتند.
وی در ادامه می‌افزاید که این محصولات شامل زعفران، میوهٔ خشک، گیاهان طبی، عسل و میوه‌جات پروسس شده و ده‌ها نوع محصول دیگر بوده‌اند.
نمایشگاه بین‌المللی گل‌فود یکی از بزرگ‌ترین نمایشگاه‌ها در بخش غذا در سطح جهان است که تاجران بیش از ۸۵کشور دنیا با محصولات‌شان در آن اشتراک می‌کنند.
براساس گفته‌های آقای حبیبی، قرار است امسال نیز مانند سال‌های قبل، ده‌ها هزار نفر بازدیدکننده و تاجر از این نمایشگاه دیدن کنند.
رییس انکشاف و ستکور خصوصی وزارت زراعت علاوه کرد که در نمایشگاه سال گذشته از محصولات تاجران افغان استقبال شده و به‌ارزش بیش از ۱۰۰میلیون دالر قرارداد ناشی از عقد قراردادهای فروش محصولات زراعتی و مال‌داری تاجران به‌دست آوردند.
همچنین او بیان کرد که امسال نیز در پی تلاش مشترک وزارت زراعت آبیاری و مالداری و ادارهٔ انکشاف بین‌المللی امریکا «USAID» زمینهٔ اشتراک تاجران افغان را با وجود محدودیت‌های ویروس کرونا در این نمایشگاه مساعد کرده است. وی می‌گوید که توقع می‌رود که تاجران افغان قراردادهای خوبی را در بخش فروش محصولات‌شان به‌دست بیاورند.
قابل ذکر است که نمایشگاه بین‌المللی گل‌فود ۲۰۲۱، برای چهار روز از ۲۱ تا ۲۵فبروری سال جاری میلادی در مرکز تجارتی شهر دوبی برگزار شده است.

## فضلی: اولویت اول دولت تحقق کنفرانس جینوا است

● فضل‌محمود فضلی، رییس اداره امور می‌گوید که اولویت اول دولت تحقق کنفرانس جینوا و اولویت دوم فرهنگ شفافیت است که باید مطابق این اولویت‌ها و اولویت‌های بعدی برنامه‌ها را به پیش ببرد. آقای فضلی گفت که ستون فقرات حکومت دیجیتالی، تذکره الکترونیکی است که با تلاش‌های انجام شده، اکنون توزیع آن در ۳۴ولایت کشور تسریع یافته است. به گفتهٔ او، مبارزه با فساد اداری، اولویت دیگر حکومت می‌باشد که اقدامات ابتدایی در این زمینه از قبل آغاز گردیده و اکنون با ایجاد کمیسیون مستقل مبارزه علیه فساد اداری این روند شتاب گرفته است.
وی هدف از این اقدام را ایجاد یک آدرس مشخص در زمینه مبارزه با فساد اداری عنوان کرد.



# چرا بنیادگرایی برای جوانان جذاب است؟

## میان حس محرومیت و تمایل به بنیادگرایی، ارتباط مستقیمی وجود دارد

● محمدهادی ابراهیمی

بنیادگرایی را در ساده‌ترین تعریف آن، به تاکید بر اصول و پایه‌های دینی و ایدیالوژیک تفسیر کرده‌اند. مهم‌ترین مشخصه‌ی بنیادگرایی آن است که فرد، بر بازگشت به یک سلسله بنیادها و اصول پیشین تاکید می‌کند و در این تاکید خود، جزم‌گراست.
شخص بنیادگرا بدون اینکه توجهی به دنیای مدرن و مقتضیات آن داشته باشد، و بدون اینکه واقعیت دنیای کنونی خود را ببیند، تنها بر اصول و بنیادهایی تاکید می‌کند که برای او مقدس و محترم هستند. در تفکر بنیادگرایانه، این دنیا است که باید بر اساس بنیادها عیار شوند، نه اینکه بنیادها با دنیای مدرن هماهنگ ساخته شوند.
البته باید اشاره کرد که بنیادگرایی تنها در مورد دین اسلام قابل استفاده نیست، چه اینکه این واژه (Fundemantalism) ابتدا در میان مسیحیان و به‌عنوان یک روش تفسیر متون دینی استفاده می‌شد.
همان‌طور که این واژه تنها در مورد دین نیز صدق نمی‌کند، بل این واژه در مورد هر ایدیالوژی‌یی که بر یک سلسله اصول به صورت جزم‌گرایانه و قطعی تاکید کند، صدق می‌کند. به عنوان نمونه یک مارکسیست لنینیست که همواره بر اصول مارکسیزم تاکید می‌کند و هیچ‌گاه از این اصول جدا نمی‌شود نیز یک بنیادگرای مارکسیست است.
از این رو به همان اندازه که می‌توان یک بنیادگرای مسلمان را تصور کرد، می‌توان یک بنیادگرای مارکسیست را هم تصور کرد.
اما امروزه غالبا واژهٔ بنیادگرایی به گروه‌های دین‌داری گفته می‌شود که تاکید به بازگشت به گذشته و ستیزه‌گیری با دنیای مدرن و مقتضیات آن دارند.
این گروه‌ها همواره با عقلانیت مدرن در ستیزه هستند و راه حل مشکلات را در بازگشت به گذشته و خوانش جزم‌گرایانه از یک متن می‌دانند.
گروه‌های بنیادگرا غالباً تمایل به خشونت دارند و از این ابزار برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. هستهٔ مشترک میان تمام بنیادگرایان، داعیهٔ هماهنگی میان دین و سیاست است.
ادعای بنیادگرایان این است که باید سیاست را بر اساس متون دینی و بدون هیچ تغییری، در جامعه ایجاد کرد. به باور بنیادگرایان هر نوع نظامی که از متون دینی استنباط نشده باشد، نظامی غیردینی است و باید آن را از بین برد.

> ● **به باور آقای رامیار بسیاری از نظریه‌پردازان حوزهٔ جامعه‌شناسی بر این نکته تاکید کرده‌اند که اگر در جامعه‌یی هویت ملی شکل نگیرد، هویت‌های فراملی مانند دین و هویت‌های فرومللی مانند هویت محلی رشد کرده و افراد به سمت بنیادگرایی که پدیده‌یی هویت‌بخش است، جذب می‌شوند.**

گروه‌های متعددی را می‌توان به عنوان بنیادگرا دسته‌بندی کرد، همان‌طور که این گروه‌ها، روش‌ها و مرام‌های مختلفی را در پی می‌گیرند. گروه‌هایی همچون داعش، طالبان، حزب‌الله لبنان، اخوان‌المسلمین مصر، جمعیت‌العلمای پاکستان، انقلابیون ایران و ... همهٔ این گروه‌ها و جریان‌ها همان‌طور که اشاره شد در یک امر مشترک‌اند و آن هم این است که این گروه‌ها، میان دین و سیاست تفکیک قایل نشده و معتقدند باید سیاست را از دین آموخت. البته برخی نظریه‌پردازان میان بنیادگرا و اسلام‌گرا تفکیک قایل شده‌اند و برخی دیگر میان بنیادگرا و نوبنیادگرا تفکیک قایل شده و میان این دو، فرق‌ها و تمایزاتی را ذکر کرده‌اند.

گرچند می‌توان تفاوت‌های گفته‌شده از سوی این نظریه‌پردازان را تا حدودی درست و به‌جا دانست، اما در یک کته‌گوری کلان، باز هم می‌توان تمام موارد بنیادگرا و اسلام‌گرا، و یا بنیادگرا و نوبنیادگرا را ذیل بنیادگرا دسته‌بندی کرد.
در این نوشتار هم به تفاوت‌های جزیی توجه نشده و برای اشاره به جریان بنیادگرایی تنها از همان اصطلاح مشهور بنیادگرا استفاده شده است.
در مورد بررسی پدیدهٔ بنیادگرایی از زوایای مختلف دینی، اخلاقی، سیاسی، روان‌شناختی، حقوقی و ... پرداخته شده است. یکی از موضوعاتی که باید به آن پرداخت این است که چرا جوانان به سمت بنیادگرایی متمایل می‌شوند؟ چرا این پدیده برای نسل جوان جذاب است؟ چرا همواره اکثریت قریب به اتفاق نیروهای بنیادگرا را جوانان تشکیل می‌دهند؟
چه بسا که در این میان جوانان دانشگاهی و دانش‌آموخته‌های علوم ساینسی و مدرن بیشتر دیده می‌شود؛ جوانانی که چه بسا در دانشگاه و

محیط‌های غیردینی رشد کرده‌اند و لزوما اهل علوم دینی نبوده‌اند. بررسی عوامل تمایل جوانان به بنیادگرایی، می‌تواند در زمینهٔ پیش‌گیری از رشد این پدیده کمک‌کننده باشد. باید این عوامل را شناخت و زمینه‌های آن را از بین برد.
بنیادگرایی به جوانان یک رسالت تعریف می‌کند
امین قضایی، دانش‌آموختهٔ جامعه‌شناسی از آمستردام با تفکیک میان «مذهب عرفی» و «مذهب رسالتی» بر این باور است که بنیادگرایی، برای پیروان خود یک رسالت تعریف می‌کند، رسالتی مانند اجرای حکومت الهی و مبارزه با حکومت‌های سکولار، و این رسالت به نوبهٔ خود با انگیزه‌های جوانان و اشتیاق آنها به کنشگری و فعالیت در اجتماع، سازگار است.
امین قضایی اشاره می‌کند که مذهب عرفی، همان مذهبی است که عموم مردم به آن پایبند هستند. مذهبی سنتی که سازگاری چندانی با تعیین رسالت و مرام بنیادگرایان ندارد، اما مذهب رسالتی مذهبی است که یک رسالت تعریف می‌کند، مذهبی است که دین را تنها در نماز و روزه و حج خلاصه نکرده و مدعی است که باید فراتر از آن رفت.
به تعبیر دیگر در مذهب رسالتی، مفهومی به اسم «جهاد» فربه شده و ارزش می‌یابد و چه بسا که بنیادگرایی، این ارزش را بالاتر و ارزش‌مندتر از ارزش‌های دینی دیگر همچون نماز و روزه معرفی می‌کند. از سویی جوانان نه منزلت مطلوب‌شان را در مذهب عرفی پیدا می‌کنند و نه هم با انگیزه‌های آنان سازگارند. در چارچوب مذهب عرفی، همواره جوان از ارزش پایین‌تری برخوردار است. در این مذهب به عنوان مثال یک کهنسال نسبت به یک جوان منزلت بالاتری دارد؛ زیرا آن کهنسال ازدواج کرده است و بنابر باورهای دینی ایمان‌اش کامل شده است، همینطور از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار است و زکات و صدقه می‌پردازد.
به احتمال زیاد حج خود را هم انجام داده و در جامعه با عنوان (حاجی) برای خودش اعتبار و منزلت کسب کرده است، اما آن جوان نه ازدواج کرده که به باور خودش دین‌اش کامل باشد، نه هم وضعیت اقتصادی خوبی دارد برای زکات و صدقه و نه هم حاجی است. لذا این جوان منزلت مطلوبی در جامعه پیدا نمی‌کند و به همین جهت است که تمایلی به مذهب عرفی پیدا نکرده، بل به سمت مذهب رسالتی و آنچه بنیادگرایی آن را تبلیغ می‌کند، متمایل می‌شود. به باور آقای قضایی، جوان می‌تواند در مذهب رسالتی برای خود یک منزلت مطلوب پیدا کند، منزلتی که او را (مجاهد) معرفی کرده و این منزلت به باور او به مراتب باارزش‌تر از منزلت‌های دیگر اجتماعی که در دین عرفی تعریف می‌شود، است.
برعلاوه همان‌طور که اشاره شد، به باور آقای قضایی، مذهب رسالتی و تعیین رسالت و هدف، که غالبا ستیزش با مدرنیته و سکولاریزم و برپایی حکومت دینی است، با انگیزه و روحیهٔ جوانان سازگاری بیشتری دارد و به همین جهت بنیادگرایی‌یی که مذهب رسالتی را تبلیغ می‌کند، برای جوانان جذاب‌تر است.
بنیادگرایی برای جوانان هویت می‌بخشد
دکتر جواد رامیار، استاد دانشگاه و پژوهشگر در حوزهٔ جامعه‌شناسی بر این باور است که بنیادگرایی، باعث هویت‌بخشی به جوانان می‌شود و به همین جهت است که این پدیده بیشتر در جوامعی رشد می‌کند که با بحران هویت مواجه هستند.
دکتر رامیار با اشاره به تعریف هویت به عنوان (آنچه فرد را از دیگری تمییز می‌دهد)، می‌گوید که اگر در جامعه‌یی هویت تعریف نشود، افراد آن جامعه و به ویژه جوانان، به سمت هویت‌های دینی رفته و متمایل به بنیادگرایی می‌شوند.
به باور آقای رامیار بسیاری از نظریه‌پردازان حوزهٔ جامعه‌شناسی بر این نکته تاکید کرده‌اند که اگر در جامعه‌یی هویت ملی شکل نگیرد، هویت‌های فراملی مانند دین و هویت‌های فرومللی مانند هویت محلی رشد کرده و افراد به سمت بنیادگرایی که پدیده‌یی هویت‌بخش است، جذب می‌شوند.
به همین جهت آقای رامیار بر این باور است که اگر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی نتوانند برای شهروندان خود یک هویت عام و همه‌شمول تعریف کنند، جامعه با بحران هویت مواجه شده و زمینه برای رشد تمایل به هویت دینی و رشد بنیادگرایی آماده می‌شود.
جوانان محروم تمایل بیشتری به بنیادگرایی دارند
دکتر محمد حق‌شناس، استاد دانشگاه و پژوهشگر روان‌شناسی بر این باور است که یکی از زمینه‌های روانی تمایل به بنیادگرایی، وجود حس محرومیت میان جوانان است.
آقای حق‌شناس اشاره می‌کند که بسیاری از پژوهش‌هایی که در مورد افرادبنیادگرا انجام شده است، تاییدکنندهٔ این مدعاست که این افراد، بیشتر از سطوح فقیر جامعه بوده‌اند و در شرایط نامطلوب اقتصادی و اجتماعی رشد کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به این توجه داشت که غالباً افرادی به سمت بنیادگرایی متمایل می‌شوند که جایگاه چندانی در اجتماع ندارند و یا در روستاها و مناطق محروم رشد کرده‌اند.
به همین جهت می‌توان ادعا کرد که میان حس محرومیت و تمایل به بنیادگرایی، ارتباط مستقیمی وجود دارد.

یادداشت روز

# تکرار فجایع بازی‌های بزرگ!

● دکتور علی‌احمد کریمی

● روی‌دادهای افغانستان توجه سران، نظامیان و سیاست‌مداران کشورهای بزرگ و بازی‌گران منطقه را داغ‌تر از گذشته جلب کرده است.
جوبایدن برگشت امریکا را به خانوادهٔ اروپا و سوگند وفاداری این کشور را به مادهٔ پنجم اساس‌نامهٔ سازمان نظامی ناتو در روابط جهانی و ادامهٔ همکاری‌های این سازمان را با امریکا در جنگ افغانستان اعلام نمود.
دعوت امریکا به ادامهٔ همکاری سازمان نظامی ناتو بیان‌گر آن است که این سازمان با امریکا به افغانستان آمده و با امریکا یک‌جا افغانستان را ترک خواهد گفت و ناتو خروج خود را مشروط به پای‌بندی طالبان به تعهدات‌شان می‌دانند.
روی‌دادهای کنونی، کشورهای منطقه را دچار تب‌لرزه سیاسی می‌کند. باد گرم بازی‌های بزرگ بر فراز افغانستان می‌وزد. این بازی بزرگ بعد از قرن۱۹ این‌بار به‌تقصیر خواسته‌های غیرمسوولانه و ناهنجار طالبان و خودخواهی و لجاجت‌های سیاسی و تشنگی قدرت سیاسیون ما، افغانستان را به پرتگاه تباهی خواهد کشانید.
هر دو جانب با شرایط غیر قابل قبول با زبان زور و استفاده از جنگ هم‌دیگر را تهدید می‌نمایند. هردو جانب به‌پشتیبانی کشورهای بیگانه قهرمان‌نمایی می‌نمایند. کشورهای منطقه با روش‌های دوگانه و ریاکارانه به‌تحریک، تحقیر و اهانت هردو جانب در این بازی بزرگ منافع سیاسی و استراتژیکی خود را در جنگ و ناامنی کشور ما دنبال می‌نمایند.
ما به‌جای دشنام‌دادن به‌بیگانگان باید خود را نفرین کنیم که مانند آنها ازمنافع ملی خود دفاع نکرده‌ایم. دلگرمی کشورهای منطقه مانند چین، روسیه، ایران و پاکستان به‌میزبانی طالبان به خاطر دلسردی و اعلام جنگ این گروه علیه نیروهای امریکا و ناتو است، کشورهای مخالف امریکا از طالبان، با این عقیده که دشمن دشمن، دوست ماست استقبال می‌نمایند.
دولت جدید امریکا روسیه را تهدید کلیدی و چین را تهدید بالنده، ایران را سرکش و متمرد و پاکستان را اجیر و مزدور گوش به‌فرمان می‌داند. این کشورها با طرفداری از طالبان علاقمندند تا دور از مرزهای خود، امریکا را درگیر جنگی طولانی کنند و این جنگ هرچند طولانی‌تر باشد به‌نفع آنها خواهد بود. آنها می‌خواهند توجه امریکا را از مشکلات داخلی خود دور کنند. کارشناسان این کشورها افغانستان را قبرستان امپراطوری‌ها می‌دانند و باور دارند که امریکا در جنگ افغانستان به سرنوشت شوروی سابق مواجه خواهد گردید.
تا هنوز استراتژی جدید امریکا برای دست‌یابی به صلح واقعی مشخص نگردیده، ولی تجارب گذشته نشان داده که امریکا تنها با استفاده از زور نمی‌تواند صلح را در افغانستان تامین کند و حتی شرایط خروج آبرومندانه و یا مسوولانه را نیز طولانی‌تر خواهد کرد.
از همین سبب کشورهای مخالف سیاست‌های امریکا به خروج عجولانه وغیر مسوولانهٔ امریکا و ناتو علاقمندی نشان می‌دهند. کشورهای منطقه با وجودی‌که دولت ما را به رسمیت می‌شناسند، اما می‌دانند که این دولت از اقتدار ملی برخوردار نیست، پشت آن خالی‌ست و به‌روی نیزه بیگانه نشسته است و نشستن به‌روی نیزه مانند تکیه دلاوران بر نیزه نیست. از همین رو به آینده روابط با این دولت نمی‌توانند اطمینان داشته باشند.
کشورهای منطقه با میزبانی طالبان می‌خواهند به امریکا نشان بدهند که امریکا به تنهایی قادر به‌تامین صلح و مبارزه با تروریزم نیست و در واقع با استفاده از مانورهای سیاسی به امریکا وانمود می‌گردانند تا نفوذ و تاثیر آنان را برای دست‌یابی به صلح افغانستان چون ابرقدرت‌های اتمی و منطقه‌یی به‌رسمیت بشناسد.
امریکا اگرچه ظاهرا مخالف همکاری برای دست‌یابی به‌صلح با این کشورها نیست، ولی به آنها وانمود می‌کند تا مطابق قواعد امریکا بازی نمایند و برای نظم و ثبات جهانی باید یک ثبات‌دهنده باشد.
دورنمای روابط میان امریکا و کشورهای روسیه، چین و ایران فوق‌العاده تیره گردیده و دولت جدید امریکا با سوگند وفاداری با اتحادیهٔ اروپا جنگ را به‌خاطر دفاع از دموکراسی علیه این کشورها که از آنها به‌نام «کشورهای متمرد و دیکتاتور» یاد می‌نماید اعلام نموده است.
روابط میان امریکا، روسیه و چین وار-د مرحلهٔ خطرناک گردیده است و اگر این وضع ادامه یابد دنیا شاهد مقابله‌جویی بدتر از زمان جنگ سرد خواهد بود و اگر اوضاع به‌طور احتمالی و یا تصادفی از کنترول خارج گردد، فاجعهٔ بزرگ به‌وقوع خواهد پیوست.
طالبان و سیاسیون افغان بدون احساس مسوولیت، کشور را به‌میدان نبرد بازی‌های بزرگ تبدیل گردانیده‌اند، تکرار این بازی بزرگ بنا بر شهادت تاریخ، فاجعه بزرگ به‌حاکمیت ملی ما خواهد بود. مقصر این وضعیت، طالبان و سیاسیون ما خواهند بود که به‌خاطر قدرت‌طلبی‌های جنون‌انگیز به آیندهٔ افغانستان و سرنوشت مردم خود بازی می‌نمایند. البته گناه نیروهای سیاسی و حتی مردم کمتر از آنان نخواهد بود. موقعی‌که سرنوشت کشور در خطر است هیچ‌کس نمی‌تواند مصون و بی‌طرف باقی بماند.

**همه به سوی بهشت می‌شتافتیم و همه در جهت عکس ره می‌سپردیم**

● جورج سایلابا: «بهترین روزگار و بدترین ایام بود. دوران عقل و زمان جهل بود. روزگار اعتقاد و عصر بی‌باوری بود. موسم نور و ایام ظلمت بود. بهار امید بود و زمستان ناامیدی. همه چیز در پیش روی گسترده بود و چیزی در پیش روی نبود، همه به سوی بهشت می‌شتافتیم و همه در جهت عکس ره می‌سپردیم». چارلز دیکنز با این جملات اوضاع سال‌های آخر قرن هجدهم را توصیف کرد؛ و این توصیف بی شباهت به آنچه امروز پیش رویمان می‌بینیم نیست:عده‌یی مطمئن از چشم‌انداز روشن پیشرفت‌ها هستند و عده‌یی فجایع ویرانگر و زوال نهایی را هشدار می‌دهند. بالاخره در نهایت اوضاع بهتر می‌شود یا بدتر؟»



# ماه پیشانی بلند

## نگاهی بر مجموعه شعر «نامه‌یی از لاله کوهی» سروده زهرا حسین‌زاده

● عصمت الطاف

● «نامه‌یی از لاله کوهی» اولین مجموعه شعری زهرا حسین‌زاده است که دربرگیرنده چهل‌وپنج قطعه غزل و یک مثنوی بلند است. همین آمار، خود نشانگر آن است که زهرا حسین‌زاده شاعری غزل‌سرا است. حسین‌زاده به گفته خودش با داستان‌نویسی به دنیای ادبیات روی آورد؛ اما سپس به سوی شعر تغییر مسیر داد. آنچه در طول این مسیر آفریده است «نامهای از لاله کوهی» و «پلنگ در پرانتز» بوده‌اند. او همچنین مجموعه دیگری را نیز زیر چاپ دارد. منظر ادبی مجموعه «نامه‌یی از لاله کوهی» از لحاظ سلامت و سلاست وزنی، مجموعه‌یی خواندنی و ستودنی است. وزن شعرها گاهی کوتاه و زمانی بلندند، اما در هر دو دسته، وزنهایی روان و زیبایند. شاعر در به کار بستن قافیه و ردیف موفق عمل کرده است. زبان غزلهای این مجموعه نو و بهروز است. این نو بودن را می‌توان در تصویرها و تعبیرهای تازه‌یی مشاهده کرد که شاعر برای بیان مقصودش به کار برده است؛ تصویرها و تعبیرهایی که بیشتر برخاسته از تجربه‌های زیستهٔ خود شاعر بوده‌اند:

بروم دورتر از پخسهٔ تکرار کبود
میچکد صاعقه بر سایهٔ دیوار کبود
نیش افعی بزند حرف درختان عقیم
کی فراموش شود جنگل آزار کبود (ص۳۵)

چیزی که به متن، ادبیت می‌بخشد و هنرمندانه‌اش می‌سازد، آرایه‌های ادبی‌اند. آرایه‌های ادبی در واقع بیان متفاوت خلق می‌کند و پیام را نه به صورت صریح و آشکار، بل غیرمستقیم و هنرمندانه به مخاطب انتقال می‌دهد. آرایه‌های ادبی شامل تمهیدات بدیعی (تضاد، تناسب، ارسال‌المثل، مدعی‌المثل، ...( و بیانی ) تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و جاندار انگاری و... استند.

این آرایه‌ها در کنار اینکه متن و بیان را هنری و زیبا می‌سازند، تمایزبخش و زیبایی‌آفرین نیز استند؛ ابداع و خلاقیت در به کار بردن آرایه‌های ادبی، به شعر هر شاعری هویت می‌بخشد. این هویت زمانی پدید می‌آید که شاعر بنای کار خود را بر تجربه، دریافت و جهان‌بینی بگذارد.

بدیهی است که تجربه، دریافت و بینش هر فردی متفاوت از تجربه، دریافت و بینش دیگری است. از همین رو، تصویرها و تعبیرهای برخاسته از هر تجربه و بینشی نیز، متفاوت خواهد بود.

دعای موش کورم پلک ابری را نجنبانید
تأمل می‌کند باران، نمی‌شوید گناهش را )ص۷۲)

به طور مثال، اینجا ضرب‌المثل «از دعای کورموش باران نمی‌بارد» به شکلی زیبا استفاده شده است که چنین استفاده‌یی در شعر شاعران دیگر کمتر دیده شده است. بیان‌هایی این چنین می‌تواند به شعر، زیبایی و هویت جداگانه و منحصربه‌فرد ببخشد.

به نامش فال می‌گیرم ولی هر بار می‌آید
زمستانی است اوقاتش، ندارد روزگار نیک )ص ٦٠)

فال گرفتن یکی از سنت‌های قدیمی و مردمی حوزهٔ زبان فارسی است. وضعیت معشوق زمستانی است؛ زمستان نقطه مقابل بهار است و بدروز بودن و ناشاد بودن و گرفتار بدبختی بودن را می‌رساند. برعکس، بهاری بودن به معنای شادمانی و طراوت و تازگی است.

همسایه تو را بهار می‌فهمید
»مریم« گل یادگار می‌فهمید
احساس شکوفه را خدا،
هر صبح بر شاخهٔ انتظار می‌فهمید )ص۴۳)

در کلام ادبی، اشیا و پدیده‌های هستی جان می‌گیرند، درد را حس می‌کنند، هویت انسانی دارند و مانند انسان از فراز و فرود زندگی شاد و غمگین می‌شوند. این ویژگی در شعر حسین‌زاده با بسامد بالایی دیده می‌شود. شاعر همانطور که در نمونه بالا، به بهار و گل و شکوفه، صفت فهمیدن و احساس کردن داده است، در اکثر شعرهایش به اشیا روح داده، حس بخشیده و شعور هدیه کرده است، تا مانند انسان درد، عاطفه، رنج، خوشحالی، اندوه و هیجان را حس کنند و در شعر حضوری انسانی داشته باشند.

قسمت، سبدش را سر این بام انداخت
بر دامن سرخم، گل بادام انداخت
قسمت حرکت کرد، در آیینه نشست
روشن شدم از ماه، که در جام انداخت )ص۷۹)

حسین‌زاده در این غزل نیز به قسمت، که یک مفهوم ذهنی است جسم و جان بخشیده است و همینطور ویژگی‌های انسانی. قسمت را گاهی به مردی تشبیه کرده است که «در اقلیم زنان دام انداخت»، «به صغری نگرانی بخشید» و «آتش به دلش ریخت و ناکام انداخت»؛ و زمانی به زنی تشبیه کرده است «که خودش را شبی از بام انداخت»، زنی که مردم شهر گناهش را «بر گردن یحیی پسر خام انداخت»؛ گاهی هم آن را به هیجانی تشبیه می‌کند که شبها برایش پیام می‌فرستد و در وجودش آشوب به پا ساخته، و عاشق و دیوانه خویش می‌سازد:

قسمت هیجانی است که هر نیمهٔ شب
بر تخت من از روزنه پیغام انداخت
در قلب من آشوب به پا کرد و نرفت
جز خود همه را پیش من از نام انداخت )ص ۸۰)

شخصیت‌انگاری تنها آرایه‌یی نیست که شاعر در شعرش به کار برده باشد، بل خواننده با تشبیه‌های زیبا و بکر و استعاره‌های زیادی نیز روبه‌رو است، مثل این بیت که شکارچی، استعاره از آدمهای بدطینت و فرصتطلب است و غزال، استعاره از دختران و آدمهای خوش‌باور و آسیبپذیر.

کمندها یله می‌چرخند، چه می‌دوی نگران در مه
شکارچی تله هم دارد، نشین غزال جوان در مه )ص٦٣)

البته باید یادآور شد که شاعر از آرایه‌های بدیعی کمتر استفاده کرده است و خواننده با کاربردهای خاصی روبه‌رو نمی‌شود که منجر به زیبایی‌آفرینی شده باشند.

منظر محتوایی

«نامه‌یی از لاله کوهی» از لحاظ محتوایی نیز، یک مجموعهٔ غنی و تأمل‌برانگیز است. غزل‌های این مجموعه را از لحاظ محتوایی می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: غزل‌های اجتماعی و غزل‌های عاشقانه.

غزل‌های اجتماعی

منظور غزلهایی‌اند که به مسایلی چون غربت و مهاجرت، جنگ و ناامنی، سنت و اجتماع، دشواریهای فراراه زندگی زنان و دختران، و... پرداخته‌اند. این مباحث بر سرنوشت، زندگی، و روح و روان شاعر و دیگر افراد اجتماع تأثیر خود را گذاشته‌اند.

زهرا حسین‌زاده در شعرهایش، تافتهٔ جدابافته از اجتماع، تاریخ، همسرنوشتان و همنسلانش نیست؛ بل در برابر تاریخ و همتبارانش احساس مسوولیت می‌کند و با آنها اشک می‌ریزد، همدردی می‌کند و برایشان دادخواهی می‌کند:

چه می‌کنی غم بودا را؟ ببین! دو پنجره می‌لرزند
دوباره صاعقه می‌افتد به جان دهکده‌مان در مه (ص٦٣)
هزار قرن خواب رفت استخوان سنگ‌ها
نفس برید، برنیامد از دهان سنگ‌ها (ص٦٧)

حسین‌زاده در این شعرش به دوران جاهلیت عرب و حادثهٔ به دنیا آمدن محمد و مبعوث شدنش به پیامبری، اشاره دارد؛ دورانی که خدایان سنگی رایج بود و عرب‌ها در برابر سنگ‌های بی‌زبان و بی‌نفس کرنش می‌کردند. به گفتهٔ حسین‌زاده: نفس‌ها در عبادت و کرنش آنها برآمد، اما از دهان این سنگها چیزی برنیامد و شنیده نشد .

غربت

دوری از وطن رنج مضاعفی است بر دوش شاعر در غربت نشسته و مترصد اوضاع نابسامان و جنگ‌های ویرانگر زادگاهش. عصارهٔ همهٔ حرف‌های حسین‌زاده در این‌باره، در این شعر بازتاب یافته است:

زندگی در مهد غربت مردن است
هموطن نوزاد بی‌مادر مشو! )ص١٦)

به باور حسین‌زاده زندگی به دور از وطن، در واقع مردن تکراری است. کسی که از زادگاهش دور است و در غربت به سر می‌برد، مانند نوزادی است که از دامن گرم و پرمهر مادر محروم شده است.

درد تاریخی

حادثه‌ها و واقعه‌های تاریخی نیز در شعرهای حسین‌زاده حضور پررنگ دارند. شاعر هم به واقعه‌های گذشته توجه دارد و هم به ماجراها و حادثه‌های کنونی. در هر دو صورت، در کنار مردم ستم‌دیده و آسیب‌دیده ایستاده است و علیه ستمگر و ظالم سخن می‌گوید.

شهید شهر شریفم ـ مزار طوفانی ـ
سرود ریشهٔ ما، شرح ماجرا بودی
رفیق سرو قدیمی که در گرفتی سبز
قسم به ماه! سپیدار چشم ما بودی )ص ۴۰)

شاعر علاوه بر اینکه نظری به اوضاع کلی کشور دارد، به تاریخ پر از درد مردمش نیز نگاه ویژه‌یی دارد. اوج این نگاه را در مثنوی انتهایی مجموعه می‌توان مشاهده کرد. مثنویای که پنجاه‌وسه بیت دارد و در آن نگاه پرشتابی به تاریخ مردم هزاره انداخته است؛ اینکه آنان در گذشته با چه شکوهی زندگی می‌کرده‌اند، کدام مناطق و سرزمین‌ها از آنشان بوده است، در مقطعی از تاریخ بر آنها چه ستم‌هایی رفته است و چگونه سرزمین‌هایشان مصادره و خودشان قلع‌وقمع و آواره شده‌اند. اینکه چطور این وضعیت ادامه پیدا نکرده، و روزبه‌روز وضعیت بهتر شده، تا اینکه ققنوسی از میان خاکستر نیاکان سوختهٔ این ایل قد برافراشته و پرده‌های ضخیمی که روشنایی را از ایلش قاپیده بودند، کنار زده است تا صبح روشن بر چهره‌های خسته از ستم و تبعیض و نابرابری بتابد.

بیان در این مثنوی کاملا غیرصریح است و خواننده با چندبار خواندن و با اطلاع از حادثه‌های تاریخی نیم قرن اخیر کشور، به مقصود شاعر دست می‌یابد و می‌فهمد که او از چه کسانی حرف می‌زند:

ناگهان وحشت رسید از هر طرف
لشکر طوفان وزید از هر طرف
پیچ و تابی داده شد شلاق و بید
سینه‌ها زد بید، آه از دل کشید

و در ادامه می‌گوید:

مردی از کاشانه‌های دوردست
کوله‌بارش را شبی آهسته بست
...
روبه‌روی دیو محکم ایستاد
مطمئن با نفس رستم ایستاد )ص ١٠٠)

غزل‌های عاشقانه

بیست‌وسه غزل این مجموعه مضمون با آنکه تقریبا عاشقانه دارند؛ اما باید گفت که مخاطب در این غزل‌ها با عشق و تب‌وتاب سوزندهٔ آن روبه‌رو نیست، بل عشق در آن حضوری آرام دارد. غزل‌های عاشقانهٔ مجموعه «نامهای از لاله کوهی» به سه دسته تقسیم‌شدنی‌اند:

اول: غزل‌هایی که در آن عاشق زن است و معشوق مرد.

در این غزل‌ها، توصیف‌هایی هم که صورت گرفته‌اند برخاسته از حس زنانه و زیبایی‌شناسی زنانه است. تصویری که از معشوق ارایه شده، تصویری زنانه از یک مرد است:

برایم از هبوط آدم و حوا نمی‌خوانی؟
بگو باز از گل گندم فراوان، هرچه می‌دانی
غرور صخره‌ها را می‌شکست امواج دستانت
شکوهی داشتی ای روح دریا، رعد نورانی )ص٧٣)

یا:

بلرزان اندکی در خواب بودا را که برخیزد
هیاهو می‌کند برپا تکان دست طوفانت
شکسته شانه‌های پیر بابا، هندوکش تنهاست
تمنا می‌کنم مهمان! بمان با کوه ایمانت )ص۴۲)

دوم؛ غزل‌هایی که در آنها عاشق مرد است و معشوق زن. در این غزل‌ها، توصیف‌ها و تصویرهایی که از یار یا معشوق داده شده‌اند، توصیف‌ها و تصویرهای مردانه از یک زن‌اند:

اخم را بشکن، بفرما! چای و قند
نوش جانت، ماه پیشانی‌بلند!
می‌خرم فانوس چشمت را، پری!
جذبه‌هایت قیمتش چند است چند؟ )ص٧٥)

یا:

گم است نیمرخش زیر نقش انگشتان
عجیب، مقنعهٔ راه راه پوشیده است
تکان هر مژه‌اش بندی‌ام کند یک عمر
ستاره جان، رخ ماه از نگاه پوشیده است )ص ٦٦)

سوم؛ غزل‌هایی که هویت عاشق به طور باید و شاید برملا نشده است و خواننده نمی‌داند عاشق و معشوق کی‌اند. ضمیر «تو» برای معشوق به کار رفته است، اما هیچ نشانه و علامتی برای درک زن یا مرد بودن او به دست داده نشده است.

قلب دریا زده را یکسره از بیخ بکش
ماهی‌ام را لب حوضی به تن سیخ بکش
چه کبود است نفسه‌ای رها در قفسم
استخوان‌های زمان را شب توبیخ بکش )ص٦٩)

یا:

شکار من، گریختن چه سود؟ آخرش تو را
نشانده روبه‌روی خود به گفتگو درآورم
کلاغ نفرت تو را میان حوض دوستی
تکان دهم، تکان دهم، به شکل قو در آورم )ص٧٤)

باری، زهرا حسین‌زاده یکی از شاعران توانمند افغانستان در عالم مهاجرت است که در مشهد ایران زندگی می‌کند و آنگونه که از تاریخ شعرهایش دانسته می‌شود، از دهه هفتاد به سرودن شعر آغاز کرده است. حسین‌زاده به خوبی نشان داده است که به اوزان شعری کلاسیک دسترسی کامل دارد و چقدر در به کاربردن آنها مهارت دارد.

همچنین، از نگاه کاربرد آرایه‌های ادبی، تکیهٔ اصلی شاعر بر به کاربردن تشبیه، استعاره و تشخیص بوده است که در این زمینه نوآوری‌هایی هم داشته است؛ اما بازی‌های هنری چندانی با آرایه‌های بدیعی صورت نگرفته است؛ بازی‌هایی که هم هنرمندانه و زیبایی‌آفرین باشند و هم از این طریق بتواند توجه خواننده را جلب کند.

## سفر همچون شکنجه‌یی ملایم

• لورن بویسنو : در سال ۲۰۱۵، آژانس پناهندگان سازمان ملل آماری منتشر کرد و تخمین زد تعداد افرادی که به اجبار در سرتاسر جهان جابجا شده‌اند، به بالای ٦٠میلیون نفر رسیده است، رقمی که برابر با کل جمعیت ایتالیاست. این آمار چه معنایی برای آن دسته از ما دارد که برای لذت تجربه سفر می‌کنیم؟

سفر چیزی نامعمول است که علی‌رغم هزاران سال تجربیات نوشته‌شده دربارهٔ آن، تعریف کردن و فهمیدنش دشوار است. سفر یک کالا، یک مزیت و یک حالت روحی است؛ برای عده‌یی راحتی و برای بقیه رنج است؛شیوه‌یی از دگرگونی است که به اندازهٔ هر پیله‌یی مؤثر است. شاید تا ۵۰سال دیگر، سفر محبوب‌تر شود و جامعه کنجکاوتر و دلسوزتر شود و از شدت تنگ‌نظری‌اش کاسته شود. یا شاید همانطور که روزنامه‌ای کانادایی ۵۰سال پیش اظهار کرد، فقط پرجمعیت‌تر شویم.

# تاب‌آوری؛ مهارت مورد نیاز زندگی امروز

**کودکان برای غلبه بر بسیاری از ناملایمات که در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شوند، به تاب‌آوری نیاز دارند. آنها به تنهایی نمی‌توانند این کار را انجام دهند**

• مینا دشتبالی / بخش اول

• اشاره: تاب‌آوری یک مفهوم جدید است و برخی زبان‌ها، واژه‌یی برای آن ندارند. با این حال بیشتر مردم جهان به استفاده از شجاعت، مهارت و ایمان رابر غلبه بر مشکلات باور دارند. واژگان تاب‌آوری چیزی بیش از مجموعهٔ از کلمات است که به ما این امکان را می‌دهد تا دربارهٔ این مفهوم نوظهور صحبت کنیم.

**به موقعیت‌های زیر توجه کنید:**

پدر من هر روز الکول مصرف می‌کند و همیشه مست است. او می‌گوید که قصد دارد مادرم را بکشد. مادرم مرا به فامیل سپرده و فرار کرده است. من نمی‌دانم او در حال حاضر کجاست. (گفته‌های یک کودک ٦ساله)

من مجبورم روزهای زیادی به خاطر بیماری که دارم به شفاخانه مراجعه کنم. من نمی‌دانم آیا در آینده بهبود پیدا خواهم کرد یا نه؟ (گفته‌های یک کودک ۱۰ساله)

من قد کوتاهی دارم و همکلاسی‌های من همیشه به این خاطر مرا مورد تمسخر و آزار و اذیت قرار می‌دهند. (گفته‌های یک کودک ۱۱ساله)

روزانه کودکان بسیاری در موقعیت‌های سختی شبیه به آنچه در بالا توصیف شد قرار می‌گیرند. برخی با استرس‌های ناشی از طلاق یا ناسازگاری والدین و یا مریضی و برخی دیگر با فجایعی مثل فقر، جنگ، قحطی، بیماری والدین و بحران‌های طبیعی مواجه هستند. این‌که چنین تجربیاتی کودکان را در هم می‌شکند یا تقویت می‌کند، به ویژگی‌های فردی و به ویژه «تاب‌آوری/میزان تحمل» آنها بستگی دارد.

تاب‌آوری از این رو بسیار مهم است که عبارت است از ظرفیت مواجه‌شدن یک فرد با مشکلات، غلبه بر مشکلات و افزایش نقاط قوت. بدیهی است که تمام انسان‌ها در زندگی با بحران و مشکلات مواجه هستند و کسی از این امر مستثنی نیست. با وجود تاب‌آوری هر کودکی در مواجه با آسیب، پیروز خواهد شد و بدون وجود تاب‌آوری این آسیب‌ها و بحران‌ها هستند که پیروز میدان خواهند بود.

بحران‌هایی که کودک با آنها مواجه است، می‌تواند در خانوادهٔ او یا در جامعه و محل زندگی او باشد. در چنین شرایطی کمک‌های بیرونی به کودک لازم است، اما کافی نیست. کودک علاوه بر نیاز به‌غذا و سرپناه به اعتماد، عشق، امید و استقلال نیاز دارد. هم‌چنین کودکان علاوه بر مکان امن به روابط امن نیز نیاز دارند تا بتوانند در فضایی با تعهد و روابط دوستانه پرورش یابند. آنها به حمایت عاطفی، عزت نفس، اعتماد بنفس، باور به خود و دنیای خود نیاز دارند که همهٔ این موارد تاب‌آوری را در آنها ایجاد می‌کند.

چگونگی پاسخ والدین و سایر مراقبان به موقعیت‌ها و چگونگی کمک به‌کودک در پاسخ‌گویی به‌موقعیت‌ها، بزرگ‌سالان رادو دسته می‌کند. بزرگ‌سالانی که باعث ارتقای تاب‌آوری در کودکان می‌شوند و بزرگ‌سالانی که تاب‌آوری کودکان را تخریب می‌کنند.

**منابع تاب‌آوری در کودکان**

کودکان در غلبه بر بحران، ویژگی توانایی را از سه منبع دریافت می‌کنند. این سه منبع با این برچسب‌ها مشخص می‌شوند: «من هستم، من دارم، من می‌توانم.»

برچسب «من دارم»

من افرادی را در کنار خودم دارم که وقتی بیمارم، وقتی در خطرم یا به یادگیری نیاز دارم، به من کمک می‌کنند.

من افرادی را در کنار خودم دارم که به من یاد می‌دهند چه چیزی درست است.

من افرادی را در کنار خودم دارم که به آنها اعتماد دارم و آنها بی‌قید و شرط به من عشق می‌ورزند.

برچسب «من هستم»

من تمایل به‌پذیرش مسوولیت در مورد کارهایی که انجام می‌دهم، دارم.

من به‌خودم و دیگران احترام می‌گذارم.

من برای دیگران کارهای خوبی انجام می‌دهم و نگرانی‌های خود را ابراز می‌کنم.

من مطمینم همه چیز درست خواهد شد.

برچسب «من می‌توانم»

من می‌توانم با دیگران درباره چیزهایی که باعث آزار یا ترس من می‌شوند صحبت کنم.

من می‌توانم راهی برای حل مسایلی که با آنها مواجه می‌شوم پیدا کنم.

من می‌توانم وقتی چیزی اشتباه یا خطرناک پیش می‌رود، خودم را کنترول نمایم.

من می‌توانم در مواقع بحرانی، یک شخص مورد اعتماد را برای کمک پیدا کنم.

کودک برای تاب‌آوربودن به همهٔ این ویژگی‌ها نیاز ندارد، ولی تنها یکی آنها هم کافی نیست. ممکن است کودک را دوست داشته باشند (من دارم)، اما اگر او هیچ نیروی درونی (من هستم) و یا مهارت‌های اجتماعی و بین فردی (من می‌توانم) را نداشته باشد، تاب‌آوری در او وجود ندارد. ممکن است یک کودک عزت نفس زیادی داشته باشد (من هستم)، اما اگر او نمی‌داند چگونه با دیگران ارتباط برقرار کند یا مشکلات را حل کند (من می‌توانم)، و یا کسی نیست که به او کمک کند (من دارم)، کودک دارای تاب‌آوری نیست. کودک ممکن است دارای توان‌مندی‌های کلامی باشد و خوب صحبت کند (من می‌توانم)، اما اگر او هیچ همدلی نداشته باشد (من هستم) یا این توانایی را ندارد که از الگوها درس بگیرد (من دارم)، در واقع تاب‌آوری در او وجود ندارد. باید توجه داشت که تاب‌آوری در کودکان، ترکیبی از این ویژگی‌ها است که در بالا نام برده شد.

کودکان برای غلبه بر بسیاری از ناملایمات که در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شوند، به تاب‌آوری نیاز دارند. آنها به تنهایی نمی‌توانند این کار را انجام دهند. آنها به بزرگ‌سالانی نیاز دارند که می‌دانند چگونه تاب‌آوری را ارتقا دهند و در واقع خودشان از مقاومت بیشتری برخوردار باشند.

زبان تاب‌آوری

کودکان با شرایطی مواجه می‌شوند که اغلب احساس تنهایی، ترس و آسیب‌پذیری می‌کنند. این احساسات برای کودکانی که مهارت، نگرش، باور و مهارت و منابع تاب‌آوری دارند، کمتر غافل‌گیر کننده است. اما قبل از این‌که بتوانیم تاب‌آوری را ارتقا دهیم، به یک زبان مشترک نیاز داریم که بتواند آن را توصیف، تصویرسازی و توضیح دهد. وقتی از برچسب «من دارم» برای افزایش تاب‌آوری در کودکان صحبت می‌کنیم در واقع به ویژگی‌های خاصی توجه داریم. یکی از این ویژگی‌ها «ارتباطات بر مبنای اعتماد» است، که شامل والدین، اعضای خانواده، معلمان و گروه دوستانی می‌شود که به کودک عشق می‌ورزند و او را مورد پذیرش قرار می‌دهند.

کودکان در تمام سنین به عشق و محبت بی‌قید و شرط والدین و مراقبین خود نیاز دارند. اما آنها به عشق و حمایت عاطفی دیگر بزرگ‌سالان نیز نیاز دارند و این امر به این خاطر است که گاهی عشق و حمایت عاطفی از سوی دیگر بزرگ‌سالان کمبود این حمایت‌ها از سوی والدین و مراقبین کودک را جبران خواهد کرد. از دیگر ویژگی‌هایی که منجر به افزایش تاب‌آوری با برچسب «من دارم» خواهد شد، وجود «ساختار و قوانین در خانه» است. والدینی که قوانین و روال مشخصی را در برخورد با کودکان ارایه می‌دهند، انتظار دارند کودک از قوانین پیروی کند و می‌توانند برای انجام این‌کار به کودک اعتماد کنند.

هنگام نقض قوانین، به کودک کمک می‌شود تا بفهمد چه اشتباهی انجام داده است، تشویق می‌شود که اتفاقات رخ داده را جبران کند، در صورت لزوم تنبیه شود و سپس بخشیده می‌شود و با بزرگ‌سال آشتی می‌کند. و در نتیجه وقتی کودک از قوانین و روال پیروی می‌کند، مورد تمجید و تشکر قرار می‌گیرد.

ویژگی بعدی در برچسب «من دارم» برای افزایش تاب‌آوری در کودکان، «تشویق به استقلال» است. بزرگ‌سالان، به ویژه والدینی که کودک را تشویق می‌کنند تا کارهای خود را انجام دهد و در صورت لزوم از آنها کمک بگیرد، به کودک کمک می‌کنند تا مستقل باشد. این بزرگ‌سالان باید در مواجه با ابتکار عمل و استقلال کودک، او را ستایش کنند. این امر باعث می شود تا این عمل‌کرد ادامه داشته باشد.

اولین ویژگی برچسب «من هستم» این است که کودک احساس کند «دوست داشتنی و مورد پذیرش» است. بنابراین سعی می‌کند به دیگران کمک کند، نسبت به روحیه دیگران حساس باشد و تعادل مناسبی را بین نشاط و سکوت در ارتباط و پاسخ به دیگران برقرار کند. دیگر ویژگی برچسب «من هستم»، یادگیری «عشق‌ورزیدن، همدلی‌کردن و نوع دوستی» است. در این مرحله کودک می آموزد که افراد دیگر را دوست داشته باشد و این عشق را از بسیاری جهات ابراز کند. او به آنچه برای دیگران اتفاق می‌افتد اهمیت می‌دهد و این مراقبت را با اعمال و گفتار بیان می‌کند.

کودک ناراحتی و رنج دیگران را احساس می‌کند و می‌خواهد کاری کند که از این رنج جلوگیری کند یا شریک شود یا به آنها آرامش دهد. ویژگی بعدی «افتخار به خود» است. در این ویژگی کودک می‌داند که فرد مهمی است و از این‌که چه کسی و چه چیزی است احساس افتخار می‌کند کودک اجازه نمی‌دهد دیگران او را تحقیر کنند و وقتی که کودک در زندگی با مشکلی مواجه می شود، اعتماد به نفس و عزت نفس به او کمک می‌کند تا در گذراندن بحران خود را حفظ کند.

هم‌چنین در این برچسب «استقلال و مسوولیت پذیری» بسیار مهم و از جمله دیگر ویژگی‌ها است. در این مورد کودک می‌تواند کارهایی را به تنهایی انجام دهد و عواقب رفتار خود را بپذیرد. این احساس وجود دارد که آنچه او انجام می‌دهد در نحوهٔ رشد و پذیرش، تفاوت ایجاد می‌کند از این رو کودک مسوولیت محدودیت کنترول خود بر وقایع را درک می‌کند و مسوولیت دیگران را نیز تشخیص می‌دهد.

آخرین ویژگی از این برچسب برای ایجاد و افزایش تاب‌آوری در کودکان، «امید، اعتقاد و ایمان» است. از طریق آموزش چنین مضامینی کودک امیدوار است و به افراد و نهادهایی اعتماد دارد. او حق را از باطل تشخیص می‌دهد و معتقد است حق برنده خواهد شد و دوست دارد در چنین مسیری مشارکت کند .

سومین و آخرین برچسب مهم برای ایجاد و ارتقای سطح تاب‌آوری در بین کودکان، «من می‌توانم»است. این برچسب در واقع شامل مهارت‌های بین فردی و اجتماعی کودک است. کودک این مهارت‌ها را از طریق تعاملات خود فرا می‌گیرد. این تعاملات از طریق ارتباط با دیگران و به ویژه کسانی که مسوولیت آموزش کودک را به عهده دارند، اتفاق می افتد. «برقراری ارتباط» اولین ویژگی این برچسب است. در برقراری ارتباط کودکان توانایی ابراز احساسات، استفاده از کلمات، شناسایی احساسات خود و شنیدن دیگران یا ابراز نیاز به شنیده‌شدن را دارند. کودکان هم‌چنین از احساسات خود آگاه هستند و احساست دیگران را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

ویژگی بعدی مهارت «حل مساله» است. کودکانی که تاب‌آوری دارند، ماهیت و دامنهٔ یک مشکل را ارزیابی می‌کنند، راهکارهای موجود و احتمال کمک‌گرفتن از افراد مورد اعتماد را ارزیابی و در مورد راه حل‌های احتمالی بحث، گفتگو و مذاکره می‌کنند. ین دسته از کودکان هم‌چنین «احساسات خود را مدیریت می‌کنند»، به این معنا که کودک می‌تواند احساسات خود را تشخیص، نام‌گذاری و با کلمات و رفتار آنها بیان کند که احساسات و حقوق دیگران یا خود او نقض شده است. کودک هم‌چنین می‌تواند انگیزهٔ ضربه یا صدمه‌زدن به اموال دیگر را در خود مدیریت کند. از سوی دیگر کودکی که تاب‌آوری دارد در محدوده برچسب «من دارم»، دارای این ویژگی است که توانایی «سنجش خلق و خوی خود و دیگران» را دارد. به این معنا که کودک نسبت به خلق و خوی خود (مثلا چقدر فعال، تکانشی و ریسک‌پذیر یا ساکت، بازتابنده و محتاط است) و هم‌چنین نسبت به خلق و خوی دیگران، بینش دارد.

این به کودک کمک می‌کند تا بداند که چقدر سریع وارد عمل می‌شود، چه مدت زمان برای برقراری ارتباط لازم است و چه مقدار می‌تواند در موقعیت‌های مختلف به‌نتیجه برسد.

به‌طور کلی هر یک از عوامل و برچسب‌های تاب‌آوری کودکان که در بالا توضیح داده شد، مجموع آموزش‌ها و اقداماتی را که کودکان و والدین آنها می‌توانند برای ارتقا تاب‌آوری، انجام دهند، نشان می‌دهد.

تریبون

# تئوری شیشه شکسته در اقتصاد

**منبع: اکونومیست فارسی**

• مغالطه شیشه شکسته اولین بار توسط اقتصاددان فرانسوی قرن نوزدهم «فردریک باستیا» بیان شد.

مغالطه شیشه شکسته درواقع استدلالی است که بر اساس آن جنگ می‌تواند برای اقتصاد یک کشور مفید باشد. پیام گسترده‌تر این است که رویدادی که به نظر می‌رسد برای افرادی که بلافاصله درگیر آن هستند مفید است، می‌تواند برای بسیاری دیگر پیامدهای اقتصادی منفی داشته باشد.

در داستان باستیا، پسری شیشه را می‌شکند. اهالی شهر که به دنبال حل این مساله هستند به این نتیجه می‌رسند که پسر در واقع خدمتی را به جامعه انجام داده، زیرا پدرش مجبور است برای جایگزین کردن صفحه شکسته، به شیشه‌ساز شهر پولی را پرداخت کند. سپس پول اضافی را صرف چیز دیگری می‌کند و رونق دادن به اقتصاد محلی را شروع می‌کند. تماشاگران به این باور می‌رسند که شکستن شیشه‌ها اقتصاد را تحریک می‌کند.

باستیا خاطرنشان می‌کند که تجزیه و تحلیل بیشتر، مغالطه را آشکار می‌کند. پسر با وادار کردن پدرش به پرداخت هزینه، شیشه درآمد قابل استفاده پدر را کاهش داده است. پدرش نمی‌تواند کفش‌های جدید یا کالاهای لوکس دیگری بخرد. بهره‌وری نیز کاهش یافته است زیرا می‌توان از وقت پدر برای پرداختن به شیشه شکسته استفاده کرد.

بنابراین شیشه شکسته ممکن است به شیشه ساز کمک کند اما در عین حال صنایع دیگر را غارت می‌کند و مقدار هزینه شده برای کالاهای دیگر را کاهش می‌دهد.

باستیا همچنین متذکر شد که مردم شهر باید شکسته شدن شیشه را از دست دادن ارزش واقعی شهر قلمداد می‌کردند. علاوه بر این جایگزینی چیزی که قبلاً خریداری شده است، هزینه نگهداری و نه خرید کالاهای جدید را نشان

می‌دهد و تعمیر و نگهداری تولید را تحریک نمی‌کند. به طور خلاصه باستیا پیشنهاد می‌کند که تخریب به معنای اقتصادی نتیجه نمی‌دهد. مغالطه شیشه شکسته استدلال می‌کند که صرف پول برای کالاهایی که از بین رفته‌اند منجر به سود اقتصادی نمی‌شود. مغالطه شیشه شکسته نشان می‌دهد اگر هدایت پول به سمت تعمیر کالاهای خراب به جای کالاها و خدمات جدید باشد ، ممکن است یک رویداد اثرات منفی مواج غیرمنتظره‌یی داشته باشد.

این تئوری نشان می‌دهد که افزایش یک قسمت از اقتصاد می‌تواند ضررهایی را برای سایر بخش‌های اقتصاد ایجاد کند. مثالی که در مغالطه شیشه شکسته به کار رفته است، تأثیرات منفی اقتصادی جنگ را نشان می‌دهد: پول از ایجاد کالاهای مصرفی و خدمات به سمت ایجاد سلاح هدایت می‌شود و پول بیشتر برای جبران خسارات ناشی از جنگ هزینه می‌شود.

**شیشه شکسته در اقتصاد رفتاری**

اقتصاددانان رفتاری بر این باورند که مصرف‌کنندگان با صرف پول برای کالاهای جدید و نه برای نگهداری کالاهای موجود، حتی اگر هزینه بالاتر باشد رضایت بیشتری را که به عنوان سودمندی شناخته می‌شود، کسب می‌کنند. این به عنوان گریز از ضرر یا نظریه چشم انداز شناخته می‌شود. از این نظر، مغالطه ناشی از تصمیم‌گیری است که فقط به طرف‌های مستقیماً کوتاه مدت نگاه می‌کند. در عوض باستیا تاکید می‌کند که ما باید به همه کسانی که تحت تأثیر شیشه شکسته قرار می‌گیرند، نگاه کنیم.

مغالطه شیشه شکسته استدلال می‌کند که هیچ منافع اقتصادی در رفع تخریب ناشی از یک واقعه خاص وجود ندارد. حتی اگر سرمایه برای جبران خسارت صرف شود ، این تنها هزینه نگهداری است و در طولانی مدت اقتصاد را تحریک نمی‌کند ، زیرا افزایش واقعی تولید اقتصادی نیست. پول و زمان صرف شده برای جبران خسارات می‌تواند صرف کالاها و خدمات با بهره وری بیشتر شود.

در جنگ، بجای استفاده از این منابع برای سرمایه گذاری در مناطقی که می‌توانند تولید واقعی اقتصادی را افزایش دهند، منابع به سمت ایجاد سلاح هدایت می‌شوند.

## ابداع روشی که تشخیص ویدیوهای فیک را مشکل خواهد کرد

● محققان روشی را ابداع کرده‌اند که با کمک آن می‌توان قوی‌ترین سیستم‌های تشخیص ویدیوهای تقلبی را نیز فریب داد.
محققان دانشگاه کالیفرنیا روشی را توسعه داده‌اند که می‌تواند سیستم‌های تشخیص صحت یک ویدیو را نیز فریب دهد.
تاکنون شبکه‌های عصبی پیچیده‌یی توسط انجنیران کمپیوتر طراحی شده بود تا بتواند واقعی یا تقلبی‌بودن ویدیو را تشخیص دهد.
روش ابداع شده، قادر است الگوریتم‌های ساخته‌شده برای تشخیص درست‌بودن ویدیو را نیز به اشتباه بیندازد.
برای این‌کار از یک روش دو مرحله‌یی استفاده شده و در هر مرحلهٔ لایه‌هایی پنهان به هر فریم ویدیو اضافه شد تا بتوان فیک‌بودن ویدیو را پنهان کرد.
این لایه‌ها، از تصاویر دستکاری شده ساخته شده‌اند که می‌تواند باعث آشفتگی در الگوریتم‌های یادگیری ماشینی شده و این سیستم به اشتباه صحت ویدیو و واقعی‌بودن آن را تایید می کند.

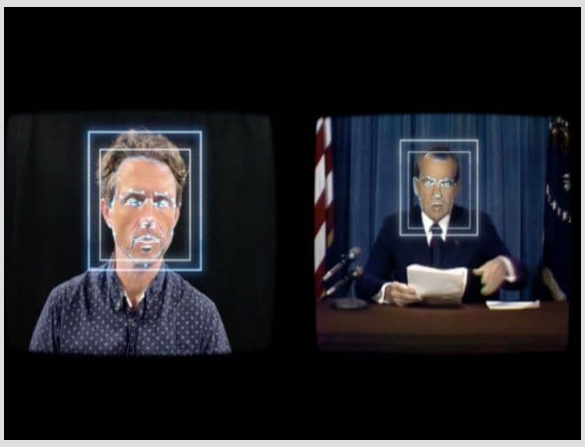

البته لایه‌های اضافه‌شده مشکلی در ویدیوهای اصلی ایجاد نمی کند.
این محققان هدف از ساخت این سیستم را ویژگی مهم ویدیوهای دیپ‌فیک عنوان کرده‌اند. آنها معقدند این ویدیوها برای فریب انسان و دستگاه ساخته شده‌اند و در صورت تشخیص جعلی‌بودن آن توسط چشم انسان دیگر نیاز به توسعهٔ سیستمی برای تشخیص آن نخواهد بود.
در حال حاضر تنها راه مقابله با این گونه ویدیوها آموزش سیستم‌های هوش مصنوعی است.

## تشخیص بیماری‌ها با بینی‌های رباتیک

محققان با الهام از حس بویایی قوی سگ‌ها در تشخیص ابتلا به سرطان پروستات به دنبال ساخت بینی‌های رباتیکی هستند تا بتوان از آنها در شناخت بیماری‌ها استفاده کرد. این بینی‌های رباتیکی می‌توانند از طریق هوش مصنوعی و روشی به نام حس بویایی ماشینی بوی بیماری را تشخیص دهند.
محققان طی تحقیقات اخیر خود متوجه شدند که حیوانی مانند سگ می‌تواند از طریق بوکشیدن ادرار بیماران، سرطان پروستات را تشخیص دهد.
ترکیبات آلی‌فراری (vocs) که در مراحل اولیه سرطان‌ها منتشر می‌شود می‌تواند توسط سگ‌ها احساس شود.
اکنون از این تحقیقات برای ساخت شبکه عصبی مصنوعی استفاده شد. در این الگوریتم با استفاده از عمل‌کرد بینی سگ‌ها

مواد شیمیایی اختصاصی سرطان قابل شناسایی است.
این محققان قصد دارند پس از توسعهٔ این الگوریتم هوش مصنوعی از آن در فناوری‌های مختلف مانند تلیفون‌های همراه و یا اپلیکیشن‌ها استفاده کنند. در مقالهٔ منتشرشده تحت عنوان این موضوع حس بویایی سگ‌ها برای شناسایی زودهنگام سرطان بسیار دقیق عنوان شده است.
با توجه به این‌که امکان استفاده از بویایی سگ در تمامی محیط‌ها امکان پذیر نیست محققان سعی دارند تا بویایی ماشینی را جای‌گزین آن کنند.
با توجه به اینکه سرطان پروستات به عنوان دومین عامل مرگ مردان در جهان شناخته می‌شود، تشخیص زودهنگام می‌تواند بیشترین فایده را داشته باشد. برای تشخیص زودهنگام نیز نیاز به روشی غیر از آزمایش خون خواهد بود.

## تحلیلگر بلومبرگ: آی‌مک ۲۰۲۱ باوجود طراحی جدید فاقد یک قابلیت کلیدی است

● رییس مایکروسافت: حادثه SolarWinds بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین حمله سایبری در تاریخ بود
برد اسمیت، رییس مایکروسافت می‌گوید بیش از ۱۰۰۰ انجنیر نرم‌افزار با همکاریِ یک‌دیگر حملهٔ سولار ویندز را رقم زده‌اند. این حمله «بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین» حملهٔ سایبری تاریخ شناخته می‌شود.
در حملات سولارویندز، هکرها از نرم‌افزار این شرکت بزرگ به‌عنوان پلتفرمی برای هجوم به تعداد زیادی از شرکت‌ها و البته آژانس‌های دولتی استفاده کردند. این عملیات هک ماه آخر سال گذشتهٔ میلادی رسانه‌یی شد و دولت امریکا روسیه را عامل آن می‌داند.



# تأثیرات رسانه‌های اجتماعی بر خانواده و ازدواج

**منبع: پارنتینگ فرستکرای/ ترجمه: زهرا بهره‌مندی**

● گسترش انواع جهش‌یافته ویروس کرونا به این تکنالوژی نکات مثبت خود را دارد، اما هیچ کس نمی‌تواند انکار کند که معایب ناشی از آن به یک مشکل اساسی تبدیل شده است. به خصوص وقتی صحبت از انترنت می‌شود، از والدین گرفته تا اطفال، همه دارای چندین حساب در رسانه‌های اجتماعی هستند که آنها را برای مدت طولانی مشغول می‌کند. افراد تقریبا هر چیزی را در صفحه خود پست می‌کنند، از تصاویر حوادث تا گفتن موارد جزیی به دوستان و فالورهای خود مانند «من ناخن‌های خود را رنگ کردم.»
انواع مختلفی از روابط وجود دارد که افراد به مرور زمان ایجاد می‌کنند و البته مهم‌ترین آنها «رابطه خانوادگی» است. در اینجاست که بیشترین تأثیر رسانه‌های اجتماعی دیده می‌شود. در اوایل، فامیل‌ها از طریق گفتگوهای رو در رو با یکدیگر در تماس بودند. وقتی همه کارهای روزانه خود را به پایان می‌رساندند، در خانه استراحت و با یکدیگر گفتگو می‌کنند.
این روزها خانواده‌ها به ندرت با هم گفتگو می‌کنند و همه درگیر پیام‌های خبری خود در شبکه‌های اجتماعی هستند. به نظر می‌رسد تماشای فلم، واکنش به پست آنلاین و پاسخ به دوستان حتی از سلام و احوال‌پرسی با یکدیگر مهمتر است. در زیر بعضی از تأثیرات رسانه‌های اجتماعی بر روابط خانوادگی را مورد بحث قرار می‌دهیم.
۱. تأثیرات مثبت
رسانه‌های اجتماعی از روش‌های زیر می‌توانند بر روابط خانوادگی تأثیر مثبت بگذارند:
• یکی از مثبت‌ترین تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر ازدواج این است زوجینی که زمان زیادی را دور از یکدیگر می‌گذرانند، می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و علی‌رغم فاصله از یکدیگر، احساس صمیمیت کنند.
• زوجین بهتر می‌توانند سایر دوستان و محافل اجتماعی دیگری را بشناسند، زیرا اطلاعات رسانه‌های اجتماعی کمک می‌کند که به راحتی ببینیم فرد چه کاری انجام می‌دهد و چه کارهایی دوست دارد انجام دهد. این باعث می‌شود که آنها علی‌رغم اینکه اخیراً آشنا شده‌اند، احساس نزدیکی داشته باشند.
• طبق معمول، اطفال کلان می‌شوند، به دانشگاه می‌روند و زندگی مستقل خود را شروع می‌کنند. در مواردی از این دست، والدین راحت‌تر می‌توانند از طریق رسانه‌های اجتماعی با فرزندان خود در ارتباط باشند. با امکان چت تصویری و به اشتراک‌گذاری تصاویر و موارد دیگر، فامیل‌هایی که دور از یکدیگر زندگی می‌کنند می‌توانند این فاصله را کم کنند، حتی اگر رابطه آنها فقط از طریق فضای مجازی باشد. خانواده‌ها با توانایی به اشتراک‌گذاری مکان‌ها و برچسب‌زدن (Tag) نام افراد، اغلب می‌توانند مکان‌هایی مانند رستوران‌های مورد علاقه، تصویرهایی از لحظات شیرین خانوادگی و گردش را به اشتراک بگذارند و به طور کلی مکانی برای نگهداری تمام خاطرات خوشی خود دارند.

> ● **ممکن است خانواده‌هایی که طلاق گرفته‌اند، رسانه‌های اجتماعی را مفید بدانند. اگر فرزندان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با والدینی که با آنها زندگی نمی‌کنند، در تماس باشند. والدین نیز احساس نمی‌کنند کنار گذاشته شده‌اند؛ زیرا می‌توانند پست‌های یکدیگر را در شبکه‌های اجتماعی ببینند و درباره فرزندشان اطلاعاتی کسب کنند. آنها می‌توانند جدا از ملاقات‌های برنامه‌ریزی شده، با کودک تعامل بیشتری داشته باشند.**

• اگر والدین و فرزندان هر دو پُست یکسانی را در شبکه‌های اجتماعی دیده باشند، می‌توانند در این باره صحبت کنند و می‌توانند با اشتراک‌گذاری صفحات مورد علاقه مانند صنایع دستی، آشپزی، و سایر چیزها رابطه محبت‌آمیز خود را تقویت کنند.
• رسانه‌های اجتماعی احساس امنیت را به ارمغان می‌آورد؛ زیرا همه می‌دانند که در صورت نیاز می‌توانند در هر زمان با افراد مختلف ارتباط برقرار کنند .
• ممکن است خانواده‌هایی که طلاق گرفته‌اند، رسانه‌های اجتماعی را مفید بدانند. اگر فرزندان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با والدینی که با آنها زندگی نمی‌کنند، در تماس باشند. والدین نیز احساس نمی‌کنند کنار گذاشته شده‌اند؛ زیرا می‌توانند پست‌های یکدیگر را در شبکه‌های اجتماعی ببینند و درباره فرزندشان اطلاعاتی کسب کنند. آنها می‌توانند جدا از ملاقات‌های برنامه‌ریزی شده، با کودک تعامل بیشتری داشته باشند.
۲. تأثیرات منفی
رسانه‌های اجتماعی از روش‌های زیر می‌توانند بر روابط خانوادگی تأثیر منفی بگذارند:
• رسانه‌های اجتماعی این توانایی را دارند که بسیار اعتیادآور شوند. بیشتر افراد متوجه می‌شوند برای آنها اجباری شده است که هرچند دقیقه یکبار تلیفون‌های خود را چک کنند تا ببینند آیا پیام جدیدی دارند یا نه. در حقیقت، اعتیاد به قدری واقعی و چنان شدید است که مشخص شده است در صورتی که افراد نتوانند شبکه‌های اجتماعی خود را بررسی کنند، همان علایم افراد معتاد به مواد مخدر را تجربه می‌کنند.
• بررسی اجباری شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات رو در رو را بسیار دشوار کرده است. اعضای خانواده ممکن است به جای گفتگو با یکدیگر، به صورت آنلاین یا در شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.
زن و شوهر ممکن است زمانی را در کنار یکدیگر بگذرانند، اما ذهن‌شان درگیر سرگرمی‌های خودشان است چون در حال مرور صفحات اجتماعی هستند. این یکی از تأثیرات منفی شبکه‌های اجتماعی در مراحل اولیه ازدواج است.
• از آنجا که افراد تمایل دارند فقط بهترین قسمت‌های زندگی خود را در شبکه‌های اجتماعی ارسال کنند، دیگران تصور می‌کنند که زندگی آنها همیشه به همین ترتیب است. این امر گاهی اوقات می‌تواند موجب نارضایتی خانواده‌ها یا زوجین از زندگی و موقعیت‌های خود شود.
• یکی از غم‌انگیزترین واقعیت‌های رسانه‌های اجتماعی این است که برای کسانی که تمایل به بی‌وفایی دارند، بستر دیگری برای عملی کردن این ویژگی منفی می‌دهد. آنها ممکن است روابط دیگری را در جایی دیگر شروع کنند که شریک زندگی آنها تصوری از آن نداشته باشد. در زمان‌های گذشته، تغییر در رفتار نشانه این بود که مشکلی وجود دارد، اما از آنجا که این روزها، رفتار عادی مردم این است که دایم مصروف تلیفون‌هایشان باشند، هیچ چیز مشکوک به نظر نمی‌رسد.
• مطالعات نشان داده که بین افسردگی و افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی ارتباط مستقیم وجود دارد. نوجوانان به احتمال زیاد تحت تأثیر افسردگی قرار می‌گیرند که به نوبه خود بر روابط خانوادگی آنها تأثیر می‌گذارد.

**نکاتی برای حفظ تعادل سالم بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و روابط خانوادگی**

در اینجا چند روش برای حفظ تعادل سالم و کاهش اثرات منفی شبکه‌های اجتماعی بر ارتباطات خانوادگی آورده شده است:
• برای افراد متأهل، بهترین راه برای اطمینان از این که رسانه‌های اجتماعی هیچ تأثیر منفی در روابط شما ایجاد نمی‌کند، این است که به شریک زندگی خود در ارتباط با رسانه‌های اجتماعی اعتماد کنید. این به معنای آن است که رمز ورود به حساب خود را با هم شریک بسازید و هرگز چیزی را که شریک زندگی شما قبول ندارد به اشتراک نگذارید و لایک نکنید.
• مواردی را که در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارید محدود کنید. خانواده‌ها اغلب دوست دارند اتفاقاتی را که در خلوت خانه‌هاشان رخ می‌دهد، به اشتراک بگذارند. اشتراک بیش از حد ممکن است باعث ایجاد تنش بین دو یا چند نفر از اعضای خانواده شود.
• اعضای خانواده یا شیوه زندگی خود را با افراد دیگر در فضای مجازی مقایسه نکنید. اغلب اوقات، کاربران شبکه‌های اجتماعی کلیت یک ماجرا را به اشتراک نمی‌گذارند و شما نمی‌دانید که در پشت صحنه برخی از تصاویر و فلم‌ها، واقعا چه می‌گذرد. اعضای خانواده شما از اینکه احساس کنند به اندازه کافی خوب نیستند، سرخورده خواهند شد.
• وقتی چیزی را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارید، اطمینان حاصل کنید که محتوایی سرگرم‌کننده و خوشایند هستند.
مطالب شما راهی برای به یاد آوردن اوقات خوب با اعضای خانواده خود باشد.
یاد کردن از افراد و لحظات خوبی که با آنها داشتیم، باعث می‌شود که آنها نیز احساس دوست داشته شدن کنند؛ زیرا بیشترین تعامل اجتماعی بین افراد در این روزها به شکل آنلاین انجام می‌شود. بنابراین، این یک روش عمومی برای نشان دادن محبت است.
از آنجا که از رسانه‌های اجتماعی، نه تنها به عنوان یک بستر اجتماعی، بل برای بازاریابی ایده‌ها و محصولات نیز استفاده می‌شود، فاصله گرفتن از آن دشوار است، اما بهترین کاری که می‌توانید انجام دهید این است که یاد بگیرید مدت زمانی را که در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانید محدود کنید و زمانی را برای گذراندن با افرادی که در مقابل‌تان حضور دارند، اختصاص دهید.

## مرتضوی: گروه طالبان ماشین کشتار جمعی را فعال کرده‌اند

● شاه‌حسین مرتضوی، مشاور رییس‌جمهوری در امور فرهنگی گفت که گروه طالبان از یک‌سو ماشین کشتار جمعی را فعال کرده‌اند، اما از طرف دیگر اعلامیه‌یی برای حفظ و مراقبت آثار قدیمی صادر می‌کنند. آقای مرتضوی می‌گوید که کار نامه این گروه در تخریب مجسمه‌های بودا، تخریب زیر ساخت‌ها، سیاست زمین سوخته، کشتار بی‌رحمانه مردم و تخریب پل‌وپلچک و پایه‌های برق برای همه روشن است.
وی تاکید کرد که وقتی برای طالبان کشتن کودکان، زنان، معلم، خبرنگار، فعال مدنی و عالم دین به‌کار روزمره تبدیل شده باشد، باکدام روی در باره حفاظت از آثار تاریخی اعلامیه می‌دهند؟ او علاوه کرد که گروه طالبان اگر صادق است، به‌خشونت‌ها خاتمه داده، آتش‌بس را عملی و به‌میز گفتگو حاضر شوند.



# پیش گیری از جنگ
# چگونه تقابل امریکا و چین را از منتج‌شدن به فاجعه جلوگیری کنیم؟

**نویسنده: کیوین رود (رییس انجمن آسیا در نیویارک و نخست‌وزیر پیشین استرالیا)**

**منبع: فارین پالیسی/ ترجمه: سید نعمت ضیا/ قسمت سوم**

رقابت راهبردی تحت مدیریت

ماهیت عمیقا ستیزه‌جویانه اهداف راهبردی و رابطه رقابتی چین و امریکا ممکن است باعث ایجاد منازعه یا حتا جنگ شود حتی در با وجود این که هر دو کشور خواهان این نتیجه نباشند.

چین در پی این است که بدون دامن‌زدن به منازعه مستقیم با واشنگتن و متحدانش، به سلطهٔ اقتصادی جهانی و برتری نظامی منطقوی در برابر امریکا دست پیدا کند. اگر چین به تفوق دست پیدا کند پس از آن به صورت تدریجی رفتارش را در برابر دولت‌های دیگر، تغییر خواهد داد، مخصوصا زمانی‌که سیاست آنها، در تقابل با منافع ملی اساسی چین قرار گیرد. چین همیشه در جستجوی این بوده که به صورت تدریجی سیستم چندجانبه‌یی را بسازد تا بیشتر به ارزش‌ها و منافع ملی چین ملزم باشد.

به نظر می‌رسد اکنون تطبیق انتقال صلح‌آمیز تدریجی به نظم بین‌المللی توسط رهبر چین کمتر محتمل به نظر می‌رسد. باتمام مرکزگریزی‌ها و نواقص ادارهٔ ترمپ، تصمیم او برای معرفی چین به عنوان یک رقیب استراتژیک، به صورت رسمی دوکتورین تعهد استراتژیک را ختم کرد. ترمپ یک جنگ اقتصادی را با چین آغاز کرد و موفق شد نشان دهد که واشنگتن علاقمند بنیان‌گذاری یک جنگ تمام عیار است. ادارهٔ بایدن پلان دارد که بنیادهای قدرت ملی و متحدان خارجی امریکا را دوباره بسازد و نشان دهد رقابت ادامه دارد، حتا اگر از طریق همکاری در بعضی حوزه‌های مشخص نرمش نشان دهد.

برای واشنگتن و بجینگ سوال این است که آنها چگونه باید این سطح بالای رقابت استراتژیک را مدیریت کنند تا خطر بحران، منازعه و جنگ را کاهش دهند. این در تیوری ممکن است، اما در عمل، باناابودی اعتماد بین دو کشور، مشکلات را افزایش داده است.

اکثریت در انجمن امنیت ملی امریکا در حقیقت باور دارند که حزب کمونیست چین از پنهان‌کاری و دروغ‌گویی به منظور اغفال دشمنانش هرگز پشیمان نیست. در این دیدگاه، چین قصد دارد که دست مخالفان را ببندد و برای دستگاه استخباراتی، امنیتی و نظامی بجینگ وقت بخرد تا به‌تفوق دست پیدا نموده و واقعیت‌های جدید را در میدان ایجاد کند.

هر گونه مفهوم «رقابت استراتژیک تحت مدیریت» برای به‌دست‌آوردن حمایت وسیع نخبگان سیاست خارجی امریکا نیاز دارد که توسط هر دو طرف شامل یک قرارداد شود تا قواعد جدید شیوهٔ عمل دوجانبهٔ «اعتماد و مقابله» (Trust but Verify) را اساس‌گذاری کند.

اندیشهٔ «رقابت استراتژیک تحت مدیریت» متکی به دیدگاه واقع‌گرایی عمیق نظم جهانی است. این اندیشه می‌پذیرد که دولت‌ها از طریق ایجاد توازن قدرت می‌توانند امنیت ایجاد کنند. در این روش هدف این است که هردو طرف خطر را کاهش دهند تا از طریق ساختن یک تعداد قواعد مشترک، رقابت میان آنان به شکلی باشد که از جنگ جلوگیری شود. این قواعد هر جانب را قادر می‌سازد که در تمام حوزه‌های منطقه‌یی و سیاست‌گذاری شدیدا رقابت کنند، اما اگر یک طرف قواعد را نقض کند تمام شروط ازبین می‌رود و وضعیت تبدیل به برگشت به بلاتکلیفی‌های خطرناک قانون جنگل خواهد شد.

اولین قدم برای ساختن یک چارچوب کاری این خواهد بود که یک تعداد اقدامات فوری انجام شود. هر دو طرف برای گفتگوهای حقیقی و تعدادی محدودیت‌های شدید که هردو طرف (امریکا و متحدانش) رعایت کنند، آمادگی بگیرند؛ مثلا هر دو جانب باید از حملات سایبری که تاسیسات حیاتی را هدف قرار دهند پرهیز کنند. واشنگتن باید به وفاداری جدی پالیسی «چین واحد» (One China) برگردد، مخصوصا از طریق نقطه پایان‌گذاشتن به ملاقات‌های غیرضروری و تحریک‌کننده مقامات بلندپایهٔ ادارهٔ ترمپ از تایپه. چین به سهم خود باید مانورها، مستقرسازی‌ها و تمرین‌های نظامی تحریک‌کننده را ختم کند. بجینگ در دریای جنوب چین نباید ادعا کند، جزایر بیشتری را نظامی نسازد و باید متعهد به احترام آزادی هوانوردی و گشت و گذار طیاره‌ها بدون ایجاد چالش باشد. امریکا و متحدانش به سهم خود می‌توانند بعدا تعداد عملیات‌های‌شان را در دریا کاهش دهند. به‌صورت مشابه، چین و جاپان می‌توانند استقرار نظامی‌شان را در دریای شرق چین در یک زمان توسط توافق دو جانبه قطع کنند.

اگر هردو طرف بتوانند به آن قراردادها توافق کنند، هر یک باید قبول کند که طرف دیگر هنوز تلاش خواهد کرد که منافعش را افزایش دهد درحالی‌که نقض محدودیت‌ها را متوقف می‌سازد. واشنگتن و بجینگ برای نفوذ اقتصادی و استراتژیک در سراسر مناطق مختلف جهان به‌رقابت ادامه خواهند داد. آنها به تلاش برای دست‌یابی به مارکیت‌های همدیگر ادامه می‌دهند و زمانی‌که از این کار جلوگیری شود، به اقدامات تلافی‌جویانه متوسل خواهند شد.

آنها در بازارهای خارجی سرمایه‌گذاری، بازارهای تکنالوژی، بازارهای مالی و بازارهای اسعار ممکن است رقابت کنند.

آنها احتمالا برای جلب افکار و قلب‌ها رقابت جهانی کنند، واشنگتن با تاکید روی اهمیت دموکراسی، اقتصاد آزاد و حقوق بشر؛ اما چین اقدام سرمایه‌داری اقتدارگرایانه‌اش و آنچه را که «مدل توسعه چین» (The China Development Model) نامیده می‌شود برجسته خواهد ساخت.

به هرحال، حتا در میان تشدید رقابت، یک مقدار فضا برای همکاری در شماری از حوزه‌های مهم وجود خواهد داشت. گذشته از همکاری در مورد تغییر اقلیم هر دو کشور می‌توانند گفتگوهای دوجانبهٔ کنترول تسلیحات هستوی را به شمول تصویب دوجانبه پیمان ممنوعیت آزمایش هستوی گسترده اجرا کنند و روی برنامه‌های نظامی هوش مصنوعی کار کنند. آنها می‌توانند روی خلع سلاح هستوی کوریای شمالی و جلوگیری از دست‌یابی ایران به تسلیحات هستوی همکاری کنند.

آنها می‌توانند یک سلسله اقدامات اعتمادسازی را در سراسر منطقه هند-پسفیک همانند واکنش هماهنگ به مصایب و ماموریت‌های حقوق بشری به عهده گیرند. آنها می‌توانند کارمشترک کنند تا ثبات اقتصادی جهان را بهبود بخشند، به ویژه دوباره توافق نمایند که بدیهی‌های کشورهای درحال توسعه را که توسط پاندمی ضربه شدید خورده‌اند برنامه‌ریزی کنند. آنها می‌توانند به صورت مشترک سیستم بهتر توزیع واکسین‌های کوید ۱۹ را در کشورهای درحال توسعه بسازند.

آن فهرست کامل نیست. اما منطق استراتژیک برای تمام موارد مشابه است، برای هر دو کشور بهتر است در چارچوب‌کاری مشترک رقابت مدیریت‌شده عمل کند تا این‌که اصلا هیچ قواعدی نداشته باشد. باید چارچوب کاری بین یک نماینده مشخص و قابل اعتماد بایدن و یک همتای چینایی نزدیک به شی، مورد مذاکره قرار گیرد چون فقط یک کانال مستقیم و بلندرتبه می‌تواند به تفاهم‌های محرمانه روی محدودیت شدید که توسط هردو طرف رعایت شود منتج گردد.

> ● **باید چارچوب کاری بین یک نماینده مشخص و قابل اعتماد بایدن و یک همتای چینایی نزدیک به شی، مورد مذاکره قرار گیرد چون فقط یک کانال مستقیم و بلندرتبه می‌تواند به تفاهم‌های محرمانه روی محدودیت شدید که توسط هردو طرف رعایت شود منتج گردد.**

این دو شخص نقاط ارتباطی می‌شوند تا اگر زمانی تخلف‌هایی رخ‌دهد، آنان نتایج هریک از تخطی‌ها را بررسی کنند. با این کار ممکن است حداقل سطح اعتماد استراتژیک در طول زمان، پدیدار شود. دو طرف همچنان ممکن است درک کنند که منافع همکاری متداوم روی چالش‌های جهانی مثل تغییر اقلیم، می‌تواند دیگر حوزه‌های رقابتی و متعارض رهبری را تحت تاثیر قرار دهد.

احتمالا شمار زیادی این اقدام را ساده لوحانه دانسته و مورد انتقاد قرار خواهند داد. مسوولیت آنان به هرحال این است به بعضی چیزهای بهتر برسند. امریکا و چین هر دو فعلا به دنبال یک فورمول استند که روابط‌شان را برای دههٔ خطرناک پیش‌رو مدیریت کند. حقیقت تلخ آن است که ارتباط هرگز مدیریت نمی‌شود مگراین‌که توافق ابتدایی بین طرف‌ها براساس شرایط آن مدیریت وجود داشته باشد.

آغاز بازی

اگر امریکا و چین روی چنین چارچوب‌کاری استراتژیک مشترک توافق کنند، اقدامات موفق چه خواهد بود؟

تا سال ۲۰۳۰ اگر دوکشور از بحران نظامی و منازعات درسراسر باریکه تایوان دوری و یا حملات سایبری را تضعیف کنند؛ یک نشانه موفقیت خواهد بود. یک پیمان که اشکال مختلف جنگ روباتیک (Robotic Warfare) را ممنوع سازد یک پیروزی مشخص خواهد بود؛ طوری‌که امریکا و چین فورا مشترکا عمل کنند و برای مقابله با پاندمی بعدی با سازمان جهانی صحت همکاری کنند .

البته مهم‌ترین نشانه موفقیت، وضعیتی خواهد بود که هر دو کشور در یک مبارزه شدید و آزاد برای حمایت جهانی از افکار، ارزش‌ها و اقدامات حل منازعه که سیستم‌های مربوطه‌شان عرضه می‌کنند با نتیجه‌یی که هنوز مشخص شده است رقابت کنند.

البته موفقیت هزار پدر دارد، اما شکست فرزند بی‌پدر و مادر است! اما قابل اثبات‌ترین مثال برای این موضوع یک اقدام ناکام «رقابت استراتژیک تحت مدیریت» روی تایوان خواهد بود.

اگر شی محاسبه می‌کرد که می‌تواند فریب واشنتگتن را با انتشار یکجانبه‌یی آنچه را که توافق‌نامه به صورت محرم به دست آورده بود بیان کند جهان خود را در یک عالم رنج تصور می‌کرد. در یک حرکت نزولی رو به سقوط، چنین بحران آینده نظم جهانی را از نو طرح خواهد کرد.

چند روز قبل از آغاز کار بایدن، چِن یشین؛ منشی عمومی کمیسیون مرکزی امور حقوقی و سیاسی حزب کمونیست چین اظهار داشت که «صعود شرق و سقوط غرب یک روند (جهانی) شده و تغییرات چشم انداز جهانی به نفع ما است.»

چِن یک محرم اسرار نزدیک به شی و یک شخصیت مرکزی در دستگاه هوشیار امنیت ملی چین است. در واقعیت، راه طولانی برای رفتن در این رقابت وجود دارد. چین آسیب‌پذیری‌های داخلی چندگانه دارد که در رسانه‌ها به ندرت ذکر می‌شوند. در جانب دیگر امریکا هم چنان ضعف‌های خود را در چهرهٔ اجتماعی دارد، اما همواره ظرفیت‌اش را برای ابداع و اعادهٔ مجدد به نمایش گذاشته است. رقابت استراتژیک تحت مدیریت توانایی‌ها را برجسته و ضعف‌های هر دو قدرت بزرگ را آزمایش خواهد کرد و بهترین سیستم برنده خواهد شد.

● **صاحب‌امتیاز و مدیرمسوول:** سید اصغر اشراق ۰۷۹٤۱۱۵۵٤٤ / eshraqsayed@gmail.com
● **سردبیر:** فرشته حسینی / ● **تحلیل‌گر ارشد:** مجیب‌الرحمن اتل
● **ویراستار:** سامعه درویش و هما عمر / ● **نویسندگان:** بکتاش روش، فرزاد عنایت، الهه موسوی و زهرا یزدان‌شناس
● **گزارشگران:** معصومه امیری، سید مهدی حسینی، مرتضی پژواک و نجمه رسا / **صفحه آرایی:** گروه طراحان
● **مسوول بازاریابی:** ضمیرخان وفا - ۰۷۹۳۸٤۵۵۵۵ / ● **هماهنگی خبر و گزارش:** ۰۷۹۰۲۹۵۵۲۹
/ ● **چاپ:** مطبعه چشمه / ● **توزیع:** کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷٦۷۱۵۲۰٦۲ / ● **توزیع در ولایات: میدان وردک، بامیان، غزنی، پروان، غور و دایکندی**
● **دفتر:** کارته سه / ● به‌غیر از سرمقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.

روزنامه‌یی برای حقوق شهروندی
مدنیت

office@madanyatdaily.com - news@madanyatdaily.com | www.madanyatdaily.com | fb.com/madanyatdaily | 020 25 12 810

روزنامه‌یی برای حقوق شهروندی
راه مدنیت
RAH-E-MADANYAT DAILY
• Mun • Fab • 22 • 2021 • No. 706 • Vol.10 • Price: 20

## ژاوی: بالاخره روزی سرمربی بارسا می‌شوم

• اسطورهٔ بارسلونا و سرمربی کنونی السد قطر تایید کرد که بالاخره روزی هدایت بارسلونا را بر عهده می‌گیرد، هر چند که نمی‌خواهد به سرعت این اتفاق بیفتد. ژاوی هرناندز، سرمربی السد می‌گوید در حال حاضر تمرکز خود را روی تیم قطر قرار داده است، اما هدفش سرمربی‌گری در بارسلوناست.
ژاوی در جدیدترین گفتگوی خود در این خصوص اظهار داشت: «در حال حاضر من سرمربی السد هستم و حس خوبی دارم. در واقع من در بزرگ‌ترین باشگاه قطر حضور دارم. در بهترین باشگاه قطر. ما خواهیم دید که در آینده چه اتفاقی می‌افتد. همه من را به‌عنوان مربی بارسلونا می‌بینند و من واقعا برای بارسلونا و کومان، سرمربی فعلی، احترام قایلم.»
ژاوی در ادامه افزود: «نمی‌خواهم پنهان کنم که دوست دارم سرمربی بارسلونا شوم، اما همیشه به‌مربی فعلی باشگاه احترام می‌گذارم.»

### یک‌ماه پس از ترک کاخ سفید
# بازگشت ترمپ به جهان سیاست

• موضوع بر سر آینده حزب جمهوری‌خواه است. شکاف در این حزب بین طرفداران و مخالفان ترمپ به اوج خود رسیده است.
ترمپ اعلام کرده است که یک ماه پس از پایان دوره زمامداری خود، در ارتباط با آینده این حزب سخنرانی خواهد کرد. به گزارش دویچه‌وله، کنفرانس سه روزه اتحادیه محافظه‌کاران امریکا روز ۲۵ فبروری در ایالت فلوریدا آغاز به کار می‌کند. ف
رستنده خبری «سی‌ان‌ان» با انتشار گزارشی اعلام کرده که دونالد ترمپ، رییس جمهوری سابق امریکا، در این کنفرانس حضور خواهد یافت.
«سی‌ان‌ان» اعلام کرده که موعد سخنرانی دونالد ترمپ روز ۲۸فبروری، در روز پایانی این کنفرانس خواهد بود.
منابع مطلع به خبرنگار «سی‌ان‌ان» اطلاع داده‌اند که ترمپ ضمن انتقاد شدید از عملکرد دولت بایدن و به‌ویژه انتقاد از سیاست گشایش مرزهای امریکا، به موضوع آینده حزب جمهوری‌خواه خواهد پرداخت. این نخستین حضور سیاسی ترمپ یک‌ماه پس از ترک کاخ سفید است.
موضوع استیضاح دوم ترمپ و همراهی برخی از نمایندگان و سناتورهای جمهوری‌خواه با طرح استیضاح او باعث شکاف در این حزب شده است.
سخنرانی تند میچ مک‌کانل علیه ترمپ و همچنین پاسخ ویرانگر ترمپ به اظهارات رییس فراکسیون جمهوری‌خواهان در مجلس سنا به شکاف سیاسی در این حزب دامن زده است.
دو منبع مطلع به خبرنگار «سی‌ان‌ان» گفته‌اند که مایک پنس، معاون وقت دونالد ترمپ، دعوت شرکت در این کنفرانس را رد کرده است.
این در حالی است که سازمان‌دهندگان این کنفرانس ابراز امیدواری کرده‌اند که پنس در تصمیم خود مبنی بر عدم شرکت در این کنفرانس تجدید نظر کند.

***

## نیروهای ناتو
### در افغانستان می‌مانند، در عراق تقویت می‌شوند

• به منظور پیش‌گیری از بازگشت داعش، نیروهای مستشاری ناتو به تدریج از ۵۰۰ نفر به ۴۰۰۰ نفر خواهند رسید. دبیر کل ناتو در اجلاس وزیران دفاع کشورهای عضو گفت نمی‌گذاریم افغانستان بار دیگر «پناهگاه امن» تروریست‌ها شود.
به گزارش دویچه‌وله، نیروهای ناتو در عراق از ۵۰۰ نفر به ۴۰۰۰ نفر می‌رسد تا از بازگشت شبه‌نظامیان داعش جلوگیری شود. این تصمیمی است که وزیران دفاع پیمان آتلانتیک شمالی در اولین اجلاس خود بعد از روی کار آمدن بایدن اتخاذ کردند. در مورد افغانستان، نگاه‌ها متوجه واشنگتن و استراتژی جو بایدن است.
دونالد ترمپ، رییس جمهور سابق امریکا به طالبان وعده داده بود که سربازان خارجی تا ۳۰ اپریل از افغانستان خارج شوند. بایدن اما گفته که این توافق را دوباره بررسی می‌کند و تصمیم نهایی را هنوز اعلام نکرده است.
ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو با اشاره به استمرار خشونت‌های مرگ‌بار، تاکید کرده که هنوز شرایط برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان فراهم نیست. او از طالبان خواسته که دست از تهاجم بردارند، ارتباط با گروه تروریستی القاعده را قطع کنند و با دولت مرکزی کابل برای پیشبرد صلح همکاری و گفتگو داشته باشند.
استولتنبرگ در کنفرانس ویدیویی اعضای ناتو گفت: «ما با معضلات زیادی روبرو هستیم که راه‌حل‌های ساده‌یی ندارند.» او تاکید کرد که افغانستان نباید بار دیگر به «پناهگاه امن» تروریست‌ها مبدل شود و ناتو از هیچ تلاش یا فشاری برای به نتیجه رسیدن روند صلح فروگذار نمی‌کند.
قرار است وزیران دفاع ناتو بار دیگر در ۲۳ و ۲۴مارچ برای تصمیم‌گیری پیرامون آینده ماموریت در افغانستان، تشکیل جلسه دهند و بسیار بعید است که وعده ترمپ حتی در صورت تایید بایدن، در ماه اپریل عملی شود.
در مورد عراق اما ناتو تصمیم قطعی گرفت که تعداد مستشاران خود در این کشور را افزایش دهد. داعش در سال۲۰۱۴ حدود یک سوم عراق را تصرف کرده بود، اما بغداد با کمک ایتلاف نظامی به رهبری امریکا، دولت اسلامی را از خاک این کشور راند.
عراق در سال ۲۰۱۷ پیروزی قطعی بر داعش را اعلام کرد و پس از آن، حضور نیروهای ایتلاف در این کشور به نحو محسوسی تقلیل یافت. با این همه، داعش هنوز در عراق فعالیت زیرزمینی و هسته‌یی دارد و حملات پراکنده و مرگ‌باری انجام می‌دهد.
ناتو از سال ۲۰۱۷ به وزارت دفاع عراق کمک‌های مستشاری ارایه می‌کند و به نیروهای امنیتی این کشور نیز آموزش می‌دهد. تعداد نیروها که قرار بود ۵۰۰ نفر باشد هم اینک به دلیل پاندمی کرونا به ۳۰۰ نفر رسیده است.

## وزیر المپیک جاپان
# رییس جدید کمیته المپیک جاپان شد

• رییس کمیته المپیک جاپان به دلیل اظهارات زن‌ستیزانه برکنار و یک زن جایگزین او شد. رییس کمیته بین‌المللی المپیک از این جابه‌جایی اظهار خشنودی کرد و آن را نشانه‌یی مهم در راستای برابری جنسیتی دانست. به نوشتهٔ دویچه‌وله، سیکو هاشیموتو، وزیر المپیک جاپان، رییس جدید کمیته برگزاری بازی‌های المپیک تابستانی در این کشور شد. این ورزشکار ۵۶ساله جانشین یوشیرو موری۸۳ساله شد که به‌دلیل اظهارات زن‌ستیزانه‌اش به‌ناچار از سمت خود استعفا داد.
پوشیرو موری در یکی از جلسات کمیته المپیک جاپان گفته بود، زنان باعث طولانی شدن جلسات می‌شوند چون «زیاد حرف می‌زنند.» این گفته با انتقادات فراوانی از سوی ورزشکاران، حامیان مالی بازی‌های المپیک و مسوولان ورزشی در داخل و خارج جاپان روبرو شد و در نهایت موری را مجبور به کناره‌گیری از سمتش کرد. سیکو هاشیموتو که هفت بار در رشته‌های اسکیت روی یخ و دوچرخه‌سواری در رقابت‌های المپیک شرکت کرده، گفته از هیچ کوششی برای برگزاری موفقیت‌آمیز این بازی‌ها در توکیو فروگذاری نمی‌کند. او تعیین مقررات ویژه کرونا را رأس وظایفش دانسته است. هاشیموتو پیش از انتصاب به این پست از سمت وزارتش کناره‌گیری کرد. او عضو حزب محافظه‌کار لیبرال دموکرات است که حزب نخست‌وزیر کنونی جاپان هم هست. توماس باخ، رییس کمیته بین‌المللی

المپیک گزینش سیکو هاشیموتو به سمت ریاست کمیته المپیک جاپان را «مناسب‌ترین انتخاب» نامید و آن را نشانه‌یی مهم برای برابری جنسیتی دانست.

## دیدگاه شما

**خان‌جان الکوزی؛**
**رییس اتاق تجارت و صنایع**

### حکومت مصروف، اقتصاد فراموش شده

مطابق قانون اساسی بازار آزاد مطابق به عرضه و تقاضاست و به این خاطر کنترول نمی‌شود که دولت در بازار دخیل نیست. کالایی‌که در بازار ده روپیه تمام می‌شود، دوازده روپیه به فروش می‌رسد، در حالی‌که همان کالا را کسی هشت یا نه روپیه هم نمی‌خرد. به این خاطر مارکیت مطابق به سیستم مارکیت جهانی است، همین که عرضه و تقاضا در بازار زیاد شود، قیمت آن هم ارزان می‌شود و در صورتی‌که عرضه و تقاضا کم شود، قیمت‌ها بلند می‌رود. در بیست روز اخیر، عواملی چون اعتصاب موترهای باربری و مساله آتش‌سوی بندر اسلام‌قلعه در هرات باعث بلند رفتن قیمت‌ها در بازار شد. در این مدت یک موتر باربری هم از بنادر گمرک و طی مراحل نشد و انتقالاتی هم به داخل کشور صورت نگرفت که این مشکل هم‌اکنون پابرجاست. عمده‌ترین مساله آتش‌سوزی هرات است که حدود یک‌هزار کانتینر مواد سوختی از بین رفت و یک‌هزار کانتینر دیگر چور و چپاول شد و با گذشت چندین روز، تاهنوز این بندر است و دولت هم توجه خاصی به آن نکرده. این عواملی بوده که قیمت‌ها در بازار از ۲۵درصد شروع تا ۱۰۰درصد افزایش یافت. ما با دولت تماس داریم، با رییس‌جمهور صحبت شده و معاون اول ریاست‌جمهوری هم کمیسیونی در این راستا تعیین کرده است. کار جریان دارد؛ اما امکاناتی وجود ندارد. چیزی که برای سکتور خصوصی و اتاق تجارت نگران‌کننده به‌نظر می‌رسد این است که دولت در بسیاری از مسایل به‌ویژه سیاسی و امنیتی مصروف است و به موضوعات اقتصادی زیاد علاقه‌مندی نشان نمی‌دهد.

**حسن روحانی؛**
**آگاه اقتصادی**

### نبود ذخیره‌گاه‌ها، فرصت‌یابی مافیا

در بحث بازار یک موضوع خیلی حیاتی است که آن ایجاد ذخیره‌گاه‌هاست که برای محصولات یک کشور مهم و ضروری است و تقریبا اکثر کشورها دارند؛ مثلا در بندر اسلام‌قلعه انفجار شد و قیمت‌ها در بازار دو برابر افزایش یافت. این نشان می‌دهد که وابستگی افغانستان به یک کشور خیلی بالاست. یعنی وابستگی صرف به یک کشور در واردات، باعث این اتفاقات می‌شود. حوادث طبیعی و غیرطبیعی در بحث اقتصادی مطرح می‌باشد و مهم این است که دولت باید پلانی داشته باشد و به سرعت جایگزین حوادث کند یا برای محصولات غذایی و در جهت مبارزه با بحران، ذخیره‌هایی داشته باشند که در صورت بیشترشدن بحران، این ذخیره‌ها پاسخگوی نیازهای مردم باشد.
متاسفانه در بعضی از سکتورهای خصوصی به‌ویژه سکتور انرژی، مافیا نقش بیشتری دارند و آن‌ها سود را در ایام سردی یا فصل زمستان می‌بینند. در حالی‌که می‌بینیم بازار آزاد است، طبیعتا وقتی تقاضا افزایش یابد، عرضه هم زیاد می‌شود. در زمستان تقاضای گاز زیاد می‌شود، اگر بازار آزاد باشد، نه تنها که قیمت‌ها افزایش پیدا نکند، بل خودبه‌خود واردات زیاد شود. در چنین وضعیتی‌که قیمت‌ها دوبرابر می‌شود، دست‌های مافیایی دخیل است و کار می‌کنند، پس این رفتار با فلسفه وجودی بازار آزاد در تناقض است.

**فواد احمدی؛**
**سخنگوی وزارت تجارت و صنعت**

### موضوع قیمت‌ها قابل نگرانی نیست

وزارت تجارت، شاروالی کابل و برخی نهادهای دیگر از بازار نظارت می‌کنند. وزارت تجارت و صنعت در چند روز اخیر بررسی‌هایی را در مورد ادعاها مبنی بر افزایش قیمت‌ها در بازار انجام داد و بررسی‌ها نشان داد که بعضی از تانک‌های تیل در کابل به گونهٔ خودسر قیمت‌ها را افزایش داده بودند.
حالا بندر اسلام‌قلعه باز شده، مرز تورخم باز است، مرزها به روی واردات کالا باز است، موترهای باربری از تورخم حرکت کرده بودند که حالا به کابل رسیده و نگرانی در این زمینه نیست، اما برخی افراد سودجو و منفعت‌طلب در این اواخر اقدام به گران‌فروشی کردند.
در این قسمت قانون وضاحت داده است. وزارت تجارت بررسی می‌کند، کسانی‌که خلاف قانون اقدام به گران‌فروشی کردند، شناسایی و برخورد قانونی صورت می‌گیرد.
در خصوص مواد خوراکی، ما تولیدات خود را داریم، به اندازهٔ داریم که نیازمندی‌ها را تامین می‌کند؛ اما مشکلی‌که بیشتر وجود دارد، فروشندگان مواد نفتی هستند که به صورت خودسر اقدام به گران‌فروشی می‌کنند.

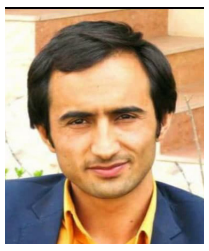

**ضیا موسوی؛**
**فارغ‌التحصیل اقتصاد**

### دولت مسوولانه رفتار نمی‌کند

متاسفانه از چندی بدین‌سو قیمت مواد خوراکی افزایش یافته و روزبه‌روز تاجران و سپس دکانداران بر نرخ‌ها می‌افزایند. از سوی دیگر، نهادی ذی‌ربط هم یا اصلا از وضعیت تودهٔ مردم خبر ندارند یا هم نظاره‌گر اوضاع هستند. در شهر کابل گرانی، مردم را به ستوه آورده و انتقادات شهروندان هم بلند شده. افزایش بی‌پیشینه قیمت مواد، هرچند دلایل دیگر هم دارد، اما عمده‌ترین دلیل آن، بسته‌شدن شاهراه‌ها در نتیجه ناامنی و جنگ است که طبعا با پیش‌آمد وضعیت نگران‌کننده موجود (مبهم بودن آینده سیاسی افغانستان) حکومت فعلی نیز تحت فشار روانی قرار گرفته که بر بازار کسب‌وکار و نرخ‌ونوا تاثیرات منفی وارد کرده است. بدون شک، مخالفان نظامی حکومت و دشمنان مردم، برای فلج‌کردن پایه‌های حکومت دست به هر نوع اقدامی که وضعیت اقتصادی و اجتماعی را بدتر سازند، می‌زنند و با این شگرد می‌خواهند فشار اجتماعی را بر حکومت تشدید و زمینه براندازی را فراهم سازند. در این میان، دولت و نهادهای مسوول هم در این کنترول نداشته و اقدام عملی نکرده‌اند. حکومت بر مبنای قانون اساسی، مسوولیت تامین امنیت و تامین رفاه شهروندان را در چارچوب قانون دارد، ولی ما شاهدیم که حکومت در این مورد یا ناتوان بوده و یا هم بی‌خبر و یا نظاره‌گر. شهرداری‌ها در کابل و دیگر ولایت‌ها در قسمت تعیین نرخ مسوولانه رفتار نمی‌کنند و وزارت تجارت نیز نظارت و ارزیابی دقیق از عملکرد تاجران ندارد.